



جمهوری اسلامی ایران

مناسب سازی عربی

پایه هفتم دوره اول متوسطه

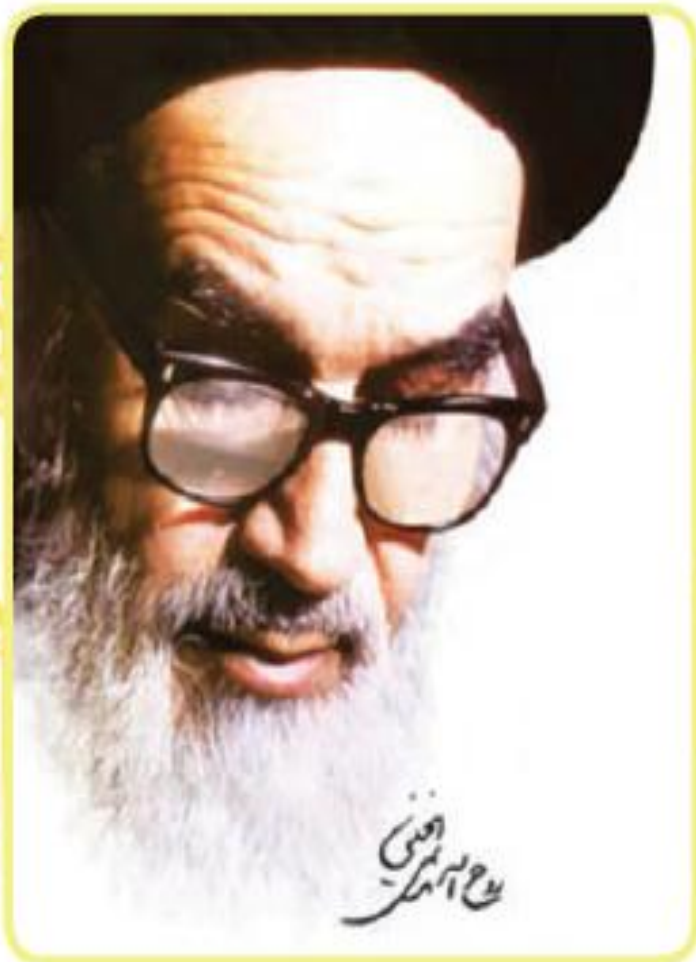
سال تحصیلی: ۹۸-۹۹



سازمان آموزش و پرورش
استثنایی

معاونت برنامه ریزی آموزشی و توانبخشی
کارشناسی گروه آسیب دیده شنوایی





لغت عربی از ما است. لغت عربی لغت اسلام است.
امام خمینی (رحمة الله علیه)

سخنی با دبیران ارجمند:

خدای را سپاس که به ما توفیق داد تا با مناسب‌سازی کتاب عربی پایه‌ی هفتم برای دانش‌آموزان با آسیب شنوایی در خدمت این عزیزان باشیم.

همکاران گرامی در راستای سیاست‌های اجرایی سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور در زمینه مناسب‌سازی محتوای آموزشی با توجه به توانایی و ویژگی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، محتوای مناسب‌سازی پیش رو به منظور تسهیل در فرایند یاددهی-یادگیری ویژه دانش‌آموزان با آسیب شنوایی تهیه و تدوین شده است و جایگزینی برای کتاب مرجع نمی‌باشد. این محتوای اولین مناسب‌سازی عربی است، که بر اساس نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان با آسیب شنوایی مناسب‌سازی شده است، لذا خواهشمند است همکاران محترم قبل از تدریس درس به درس، ابتدا کل کتاب را بررسی نمایند. بر اساس این مناسب‌سازی انتظار می‌رود دانش‌آموز با آسیب شنوایی بتواند مطالب کتاب عربی پایه‌ی هفتم را درست بخواند و معنای آن‌ها را بهتر بفهمد.

لازم به ذکر است که همکاران عزیز برای تدریس درس عربی پایه هفتم به دانش‌آموزان با آسیب شنوایی، از این کتاب به عنوان «کتاب راهنمای معلم» استفاده کنند.

تغییرات ایجاد شده در کتاب عبارتند از:

- ۱- تصویرسازی واژه‌های خاص و برخی از مفاهیم انتزاعی.
- ۲- حذف تعدادی از عبارات و تمرین که هدف این امر، کاهش حجم کتاب و حذف بعضی از مفاهیم انتزاعی بوده است.

- ۳- در پایان هر درس برای سهولت در یادگیری کلمات مرتبط سازی شده است.

- ۴- فایل کمک آموزشی: شامل طرح درس روزانه (درس به درس) و کلمات متضاد و مترادف و جمع مکسر و محتوای الکترونیکی جهت سهولت آموزش ضمیمه‌ی فایل کتاب مناسب‌سازی عربی شده است.

در پایان شایسته است یادآور شویم که محتوای حاضر حاصل کوشش و همکاری کارگروه استان قم با همکاری دبیران محترم آقای علی فاطمی دوست و خانم معصومه قنبری و آقای محمد حسینی و دیگر همکاران است. باشد که مورد رضایت پروردگار و همکاران عزیز و دانش‌آموزان گرامی قرار گیرد. همکاران ارجمند اگر انتقاد و پیشنهاد سازنده‌ای در این زمینه دارند به گروه مناسب‌سازی سازمان آموزش و پرورش استثنایی ارسال نمایند. سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور



السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛
أَهْلًا وَسَهْلًا فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ؛
كَيْفَ حَالُكُمْ؟
بِخَيْرٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؟



اسم اشاره

الْفَضْلُ الْأَوَّلُ



هذه صورة جميلة. هذا جبل جميل.

قِيَمَةُ الْعِلْمِ

واژه نامه تصویری (۱۲ تصویر)



وَلَدٌ : پسر ، فرزند
أَوْلَادٌ : فرزندان



بَنَاتٌ : دختران



بِنْتٌ : دختر



شَجَرَةٌ : درخت
أَشْجَارٌ : درختان



طُلَّابٌ : دانش آموزان،
دانشجویان



طَالِبٌ : دانش آموز،
دانشجو



صَفٌّ : کلاس
صُفُوفٌ : کلاس ها



لَوْحَه: تابلو

جَبَل: کوه

ثَمَر: میوه

المُعْجَم: واژه نامه (21 کلمه)

مُجَالَسَة: همنشینی	فِي: در، داخل	بِلَا: بدون
مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاء: همنشینی با دانشمندان	قِيَمَة: قیمت، ارزش	جَمِيل: زیبا
نَاجِح: موفق، پیروز	كَ: مانند	حُسْن: خوبی
هَذَا: این (مذکر)	كَالشَّجَر: مانند درخت	رَجُل: مرد (رجال: مردان)
هَذِهِ: این (مؤنث)	كَبِير: بزرگ	مَرَأَة (مَرَأَة): زن
ذَلِكَ: آن (مذکر)	صَغِير: کوچک	طَلَب: خواستن
تِلْكَ: آن (مؤنث)	عَالِم: دانشمند	فَرِيضَة: واجب دینی

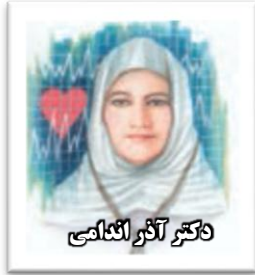
۱. الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ:

۲. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ:

۳. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ:

۴. طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ:

هَذَا هَذِهِ ذَلِكَ تِلْكَ



دَكْتُرْ أَكْثَرُ الْكُنَاكِي

هَذِهِ الْمَرَأَةُ، طَبِيبَةٌ.



پَرُوفَسُورُ مَجِيدِ سَمِيحِي

هَذَا الرَّجُلُ، طَبِيبٌ.



تِلْكَ الْمَرَأَةُ، شَاعِرَةٌ.



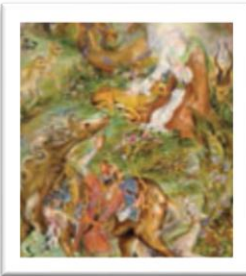
ذَلِكَ الرَّجُلُ، شَاعِرٌ.



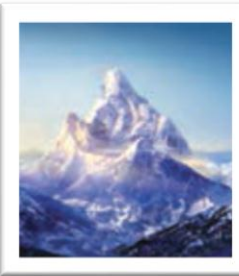
هَذِهِ الشَّجَرَةُ، عَجِيبَةٌ.



هَذَا الصَّفُّ، كَبِيرٌ.



تِلْكَ اللَّوْحَةُ، جَمِيلَةٌ.



ذَلِكَ الْجَبَلُ، مُرْتَفَعٌ.

بدانیم



۱. هر اسمی در عربی یا مذکر است یا مؤنث.

مُذَكَّر

مُؤنث

۲. علامت اصلی اسم مؤنث «ة» است؛ مانند: طالِبَة. اما مذکر نشانه ندارد؛ مانند: طالب.

۳. «هَذَا» و «ذَلِكَ» اسم اشاره به مذکر و «هَذِهِ» و «تِلْكَ» اسم اشاره به مؤنث هستند.

۴. اسم هایی مثل لَوْحَة و شَجَرَة چون علامت «ة» دارند؛ مؤنث به شمار می آیند.

دو نکته

۱. اسم های حروف الفبا در عربی :

الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین - صاد -
ضاد طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء

۲. حروف «گ، چ، پ، ژ» در عربی نوشتاری (فصیح) وجود ندارد.

التمارين

التمرين الأول:

به فارسی ترجمه کنید.

١. هَذَا الْوَلَدُ ، فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ.....
٢. ذَلِكَ الطَّالِبُ النَّاجِحُ ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.....
٣. هَذِهِ الطَّالِبَةُ النَّاجِحَةُ ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.....
٤. تَمَرُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْكَبِيرَةِ ، لَذِيذٌ.....

التمرين الثاني

نام هر تصویر را با کلمات داده شده بیاید .

(جَبَلٌ - شَجَرَةٌ - وَلَدٌ - بِنْتُ - صَفٌّ)



تلكَ :



هذه:



هذا :



ذلك:

۱. «سَعِيدٌ» اِسْمٌ وَلَدٍ وَ «سَعِيدَةٌ» اِسْمٌ
☐ رَجُلٍ ☐ بِنْتٍ
۲. الْعَالَمُ الْمُؤْمِنُ كَ..... الرَّحْمَةِ وَ النُّورِ.
☐ جَبَلٍ ☐ نَسِيَانٍ
۳. تِلْكَ الشَّجَرَةُ..... ثَمَرٍ.
☐ فِي ☐ بِلَا
۴. طَلَبُ الْعِلْمِ.....
☐ مُجَالَسَةٌ ☐ فَرِيضَةٌ

آموزش و پرورش استثنایی

لغت های مذکر و مونث	لغت های همراه با جمع مکسر	لغت های مشابه در فارسی	لغت های معادل مذکر و مونث	اسم اشاره و حروف
جبل: کوه	شجر: درخت (اشجار: درختان)	قلم: قلم مداد	رجل: مرد امراة: زن	هذا: این (مذکر)
ثمر: میوه	صف: کلاس (صفوف: کلاس ها)	لذیذ: لذیذ خوشمزه	رجال: مردان نساء: زنان	هذه: این (مونث)
کبیر: بزرگ	طالب: دانش آموز (طلاب: دانش آموزان)	علم: عالم دانشمند		ذلک: آن (مذکر)
حسن: خوبی	فریضة: واجب دینی (فرائض: واجبات دینی)	قوی: قوی نیرومند		تلك: آن (مونث)
مرتفع: بلند	ولد: فرزند (اولاد: فرزندان)	قيمة: قیمت ارزش		بلا: (ب لا) بدون
جمیل: زیبا	رجل: مرد (رجال: مردان)	آفة: آفت		فی: در داخل
طیب: پزشک				ک: مانند مثل
ناجح: پیروز موفق				
لوحة: تابلو				
مجالسة: همنشینی با				
بنت: دختر				

نورُ الکلام

واژه نامه تصویری (6 تصویر)



کُرْسِیّ : صندلی
کُرْسِیَّانِ خَشَبِیَّانِ : دو صندلی
چوبی



ذَهَبٌ : طلا



خَشَبٌ : چوب
أَخْشَابٌ : چوب ها



وَرْدَةٌ : گل



وَالِدَیْنِ : پدر و مادر



نَافِذَةٌ : پنجره

سینا

المُعْجَم: واژه نامه (۲۶ کلمه)

أمان: امنیت	کلام: سخن	نَظِيف: پاکیزه
خَيْرٌ مِنْ: بهتر، بهترین	لِ: برای	واحد: یک
خَيْرٌ مِنْ: بهتر است از	لَكَ: برایت، به سود تو	ه، هُ: ش، او، آن
دَهر: روزگار	كَ: ت، تو	ذَهَبه: طلایش
رَأَى: نظر، فکر	لِهَذَا الصَّف: این کلاس دارد.	هاتان: این دو، اینها، این (اشاره به دو اسم مؤنث)
رَأَى واحدٌ: یک نظر، یک فکر	مَجْهُول: ناشناخته، گمنام	هذان: این دو، اینها، این (اشاره به دو اسم مذکر)
رضا: رضایت	نِعْمَتانِ مَجْهُولَتان: دو نعمت ناشناخته هستند.	يَوْم: روز (جمع: آیام: روزها)
صِحَّة: تندرستی	مَرْء (اِمْرَأ): انسان، مرد	يومان: دو روز
عَلَى: بر، روی	مَسْرور: خوشحال	

۱. نِعْمَتانِ مَجْهُولَتانِ، الصُّحَّةُ وَ الْأَمَانُ. رسول الله ﷺ

۲. رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. رسول الله ﷺ

۳. أَدَبُ الْمَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رسول الله ﷺ

۴. الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. الإمام علي عليه السلام

۵. رَأْيَانِ خَيْرٌ مِنْ رَأْيٍ وَاحِدٍ. حكمة

هذان هاتان



هاتان بئتان.
هاتان البئتان، نظيفتان.



هذان ولدان.
هذان الولدان، نظيفان.



هاتان وردتان.
هاتان الوردتان، جميلتان.



هذان كرسيان.
هذان الكرسيان، خشبيان.

بدانيم

1- اسم مثنى دو علامت دارد: «ان» (الف و نون) مانند:

طالب + ان: طالبان

طالبة + ان: طالبتان

و يَن (ياء و نون): مانند:

طالب + يَن: طالبين

طالبة + يَن: طالبتين

2. «هذان» اسم اشاره به مثنای مذکر و «هاتان» اسم اشاره به مثنای مؤنث هستند.

یک نکته

اسم این علامت‌ها را به خاطر بسپارید.

فتحه - کسره - ضمه - سکون - تنوین



التَّمارینُ

زیر هر تصویر یکی از کلمات داده شده را بنویسید

التَّمَرینُ الْأَوَّلُ:

(وَلَدٌ - وَلَدَانِ - بِنْتُ - بَنَاتَانِ)



هَاتَانِ



هَذِهِ



هَذَا



هَذَانِ

در جای خالی گزینه مناسب به کار ببرید

التَّمْرِينُ الثَّانِي :

۱. الْوَلَدُ الصَّالِحُ، فَخَرٌ لِلْوَالِدَيْنِ.

۲. لِهَذَا الصَّفِّ، نَافِذَتَانِ جَمِيلَتَانِ.

۳. قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ، بِالْعِلْمِ وَ الْإِيمَانِ.

۴. هَذَانِ الصَّفَّانِ، كَبِيرَانِ.

التَّمْرِينُ الثَّالِث

ترجمه کنید .

۱. الْوَلَدُ الصَّالِحُ، فَخَرٌ لِلْوَالِدَيْنِ.

۲. لِهَذَا الصَّفِّ، نَافِذَتَانِ جَمِيلَتَانِ.

۳. قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ، بِالْعِلْمِ وَ الْإِيمَانِ.

۴. هَذَانِ الصَّفَّانِ، كَبِيرَانِ.

۵. هَاتَانِ الشَّجَرَتَانِ، بِلَا تَمَرٍ.

لغت های مذکور و مونث	لغت های همراه	لغت های مشابه در فارسی	لغت های معادل مذکور و مونث	اسم اشاره ضمیر و حروف	لغت های متضاد
امان: امنیت	خشب: چوب (اخشاب: چوب ها)	رای: نظر	والد: پدر	هذان: این دو (برای مذکر)	خیر شر
بیت: خانه	یوم: روز (ایام: روزها)	کل: همه هر	والدة: مادر	هاتان: این دو (برای مونث)	کبیر: صغیر
خیر: بهتر-بهترین		کلام: سخن		واحد: یک	
دهر: روزگار		مجهول: ناشناخته		علیک: بر تو به زیان تو	
ذهب: طلا		صالح: درستکار		ل: برای لک: برایت	
رضا: رضایت		نظیف: پاکیزه		من: از	
امرا مرء: انسان مرد		والدین: پدر و مادر		ه ه ه او آن	
زارع: کشاورز		نعمة: نعمت		علی: بر روی	
کرسی: صندلی		ممتاز: ممتاز			
مسرور: خوشحال					
فخر: افتخار					
صححة: تندرستی					
وردة: گل					
نافذة: پنجره					

كَنْزُ الْكُنُوزِ

واژه نامه تصویری (6 تصویر)



كَنْز: گنج
كُنُوز: گنج ها



حَدِيقَة: باغ
حَدَائِق: باغ ها



حَجَر: سنگ
أَحْجار: سنگ ها



مَكْتَبَة: کتابخانه



لَاعِب: بازیکن



مَفَاتِح: کلید
مَفَاتِيح: کلیدها

واژه نامه: (۲۳ کلمه)

أَحْيَاءُ : زندگان (مفرد: حَيٍّ: زنده)	سَبْعِينَ : هفتاد	ها : ش، او، آن
أَوْسَطُ : میانه ترین	سَنَةً : سال (جمع: سَنَوَاتٍ: سالها)	أَوْسَطُهَا: میانه ترین آن
أَوْلَىكَ : آنان، آن	صَدَاقَةٌ : دوستی	هُوَ لَاءِ: اینان، اینها، این
أَوْلَىكَ مُجَاهِدُونَ: آنها مجاهدند.	عَدَاوَةٌ : دشمنی	هُوَ لَاءِ إِيرَانِيُونَ: اینها ایرانی اند
أَوْلَىكَ الْمُجَاهِدُونَ: آن مجاهد ها	صِغَرُ: خردسالی، کوچکی	هُوَ لَاءِ اللَّاعِبُونَ: این بازیکن ها
تَفَكَّرُ سَاعَةً: ساعتی فکر کردن	عِبْرَةٌ: پند (جمع: عِبَرٍ: پندها)	
جَالِسٌ: نشسته	عِنْدَ : نزد، کنار	
واقِفٌ: ایستاده	فَائِزٌ : برنده	
جاهِلٌ : نادان	مَوْتُ: مرگ	

۱. تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. رسول الله ﷺ

۲. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الإمام عليّ عليه السلام

۳. الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. الإمام عليّ عليه السلام

۴. خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. الإمام عليّ عليه السلام

۵. الْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. حِكْمَةٌ

هؤلاء ، أولئك



هؤلاء، إيرانيات.
هؤلاء اللاعبات، فائزات.



هؤلاء، إيرانيون.
هؤلاء اللاعبون، فائزون.



أولئك المجاهدات، صابرات.



أولئك المجاهدون، صابرون.

بدانیم

۱. «هُؤْلَاءِ» و «أُولَئِكَ» در اشاره به جمع مذکر و مؤنث مشترک هستند.
۲. اسم مذکر با دو «وَنَ» و «يَنَ» جمع بسته و «جمع مذکر سالم» نامیده می شود؛
الف: «وَنَ» (واو و نون) مانند: مُعَلِّم + وَنَ = مُعَلِّمُونَ
ب: «يَنَ» (ياء و نون) مانند: مُعَلِّم + يَنَ = مُعَلِّمِينَ
۳. اسم مؤنث با «ات» جمع بسته «جمع مؤنث سالم» نامیده می شود؛ مانند:
مُعَلِّم + ات = مُعَلِّمَات
۴. جمع برخی اسم ها «مکسر» یعنی شکسته است. در این جمع شکل مفرد کلمه تغییر می کند؛ مانند:
حَدِيقَةٌ: حَدَائِقُ مِفْتَاح: مِفَاتِيح طِفْل: أَطْفَال عِبْرَةٌ: عِبَر

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ:

ترجمه کنید، سپس «جمع های سالم و مکسر» و نیز «مثنی» را معلوم کنید.

۱. هُؤْلَاءِ اللَّاعِبُونَ، فَايَزُونَ فِي مُسَابَقَتَيْنِ.
۲. هُؤْلَاءِ الطَّالِبَاتُ، نَاجِحَاتٌ فِي مُسَابَقَةِ حِفْظِ الْقُرْآنِ.
۳. أُولَئِكَ الرِّجَالُ، جَالِسُونَ عِنْدَ عَالِمِينَ.
۴. فِي كُتُبِ الْقِصَصِ عِبَرٌ لِلْأَطْفَالِ.

هر کلمه را زیر تصویر مناسب آن بنویسید.

الْتَمَرِینُ الثَّانِی :

(لَاعِبَةٌ - مَكْتَبَةٌ - کُرْسِیٌّ - کَنْزٌ - وَرْدَةٌ)



هَذِهِ



هَذِهِ



هَذَا



هَذِهِ

در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

الْتَمَرِینُ الثَّالِث :

مَسْرُورُونَ □ مَسْرُورَةٌ □

صَابِرٌ □ صَابِرَاتٌ □

لَاعِبُونَ □ لَاعِبَاتٌ □

۱. عَبَّاسٌ وَ هَاشِمٌ وَ مَيْثَمٌ، _____.

۲. زَهْرَاءُ وَ زَيْنَبُ وَ فَاطِمَةُ، _____.

۳. أَوْلَیْكَ الْأَوْلَادُ، _____ مُمْتَازُونَ.

لغت های مذکور و مونث	لغت های همراه	لغت های مشابه در فارسی	لغت های مترادف (هم معنی)	ضمیر و اسم اشاره و حروف	لغت های متضاد
عالم: دانا	حی: زنده (احیاء: زندگان)	کتاب: کتاب	بستان: حدیقه	هولاء: این ها (مذکور و مونث)	عالم جاهل
جاهل: نادان	بستان: باغ (بساتین: باغ ها)	ساعة: ساعت	فائز: ناجح	اولئک: آن ها (مذکور و مونث)	صداقة عداوة
صداقة: دوستی	حدیقه: باغ (حدائق: باغ ها)	مدرس: معلم		عند: نزد	واقف جالس
عداوة: دشمنی	حجر: سنگ (حجاره: سنگ ها)	شاکر: سپاس گذار		ها: ش او	قوی ضعیف
واقف: ایستاده	سنة: سال (سنوات: سال ها)	مومن: با ایمان			حی موت
جالس: نشسته	کنز: گنج (کنوز: گنج ها)	صابر: صبر کننده			
فائز: پیروز برنده	مفتاح: کلید (مفاتیح: کلیدها)	قصه: قصه داستان			
اوسط: میانه ترین	امر: کار (امور: کارها)	ماهر: ماه خبره			
صغر: کوچکی	قصه: داستان (قصص: داستان ها)	خیاط: خیاط			
لاعب: بازیکن	کتاب: کتاب (کتب: کتاب ها)	قوی: نیرومند قوی			
موت: مرگ	عبرة: پند (عبر: پندها)	ضعیف: ضعیف			
سبعین: هفتاد					
مکتبة: کتابخانه					

نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الْأَوَّلِ

اسم اشاره

نگاهی به درس اول - اسم مفرد، مثنی و جمع (حِفْظُ الْقُرْآنِ)

عدد و جنس	نشانه	مثال
	ندارد	حافظ
	ة	حافضة
 	انِ و ینِ	حافظانِ و حافظینِ حافظتانی و حافظتینِ
	ونَ و ینَ	حافظونَ، حافظینَ
	ات	حافظات
	ندارد	حُفَاط

اين	هَذَا	
	هَذِهِ	
اينها	هَذَانِ	
	هَاتَانِ	
	هَؤُلَاءِ	
آن	ذَلِكَ	
	تِلْكَ	
آنها	أُولَئِكَ	

الدَّرْسُ الثَّانِي



هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟ لا؛ هَذِهِ شَجَرَةُ الرُّمَانِ.

جواهر الكلام

واژه نامه تصویری (13 تصویر)



جُنْدی : سرباز



بُسْتان : باغ



بائع : فروشنده



صَلَاة : نماز



رُمان : انار



حَقِيبَة : کیف ، چمدان
حَقَائِب : کیف ها



غُرْفَة : اتاق



عِنَب : انگور



عمود : ستون



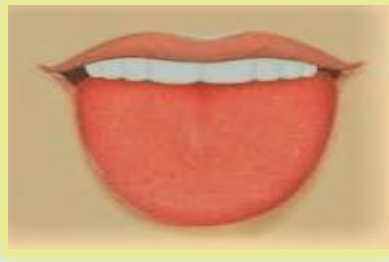
مَدِينَة : شَهر



قَرْيَة : روستا



فُنْدُق : هتل



لِسَان : زبان

المُعْجَم : واژه نامه (۱۲ كلمه)

كثير: زياد	بَعِيد : دور	أ؟ : آيا؟
لا : نه	قَرِيب: نزديك	هَلْ؟ : آيا؟
نَعَم : بله	جَزَاء : پاداش	إِحْسَان: نيكي
هُنَا: اينجا	إِلَّا: به جز	قَلِيل: كم

۱. هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٦٠﴾ الرحمن

۲. الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامُ كَثِيرُ الْعَمَلِ. رسول الله ﷺ

۳. سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ. الإمام علي عليه السلام

۴. رَبُّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ. الإمام علي عليه السلام

۵. الْوَقْتُ مِنَ الذَّهَبِ. حِكْمَةٌ

نَعَمْ لا

کلمات پرسشی 1: هَلْ؟ أ؟



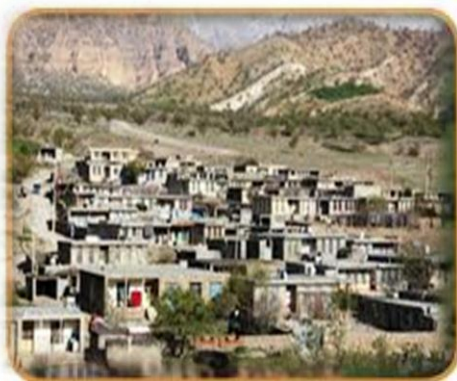
هَلِ الْفُنْدُقُ بَعِيدٌ؟
لا؛ الْفُنْدُقُ قَرِيبٌ.



هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الرُّمَّانِ؟
نَعَمْ؛ هَذِهِ شَجَرَةُ الرُّمَّانِ.



أَهَذِهِ حَقِيبَةُ الْمَدْرَسَةِ؟
لا؛ هَذِهِ حَقِيبَةُ السَّفَرِ.



هَلْ هُنَا مَدِينَةٌ؟
لا؛ هُنَا قَرْيَةٌ.



أَهَذَا جُنْدِيٌّ؟
نَعَمْ؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.

بدانیم

«هَلْ» و «أ» دو کلمه پرسشی به معنای «آیا» هستند که در جواب آنها «نَعَمْ» یا «لا» می آید.

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



۲- هَلْ هُنَا مَدِينَةُ شِيرَاز؟

.....



۱- هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟

.....



۴- هَلْ هُوَ بَائِعُ الْحَقَائِبِ؟

.....



۳- هَلْ هُنَا بُسْتَانٌ؟

.....

التَّمرينُ الثَّاني: ترجمه کنید.

۱. هَلْ هُنَا أَشْجَارُ الْعِنَبِ وَ الرُّمَّانِ؟ لا.

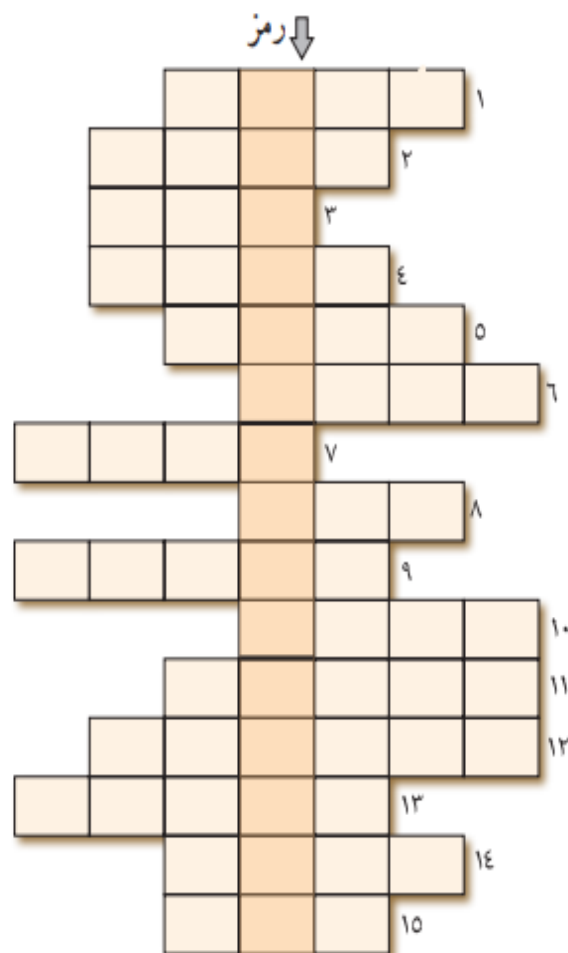
۲. هَلْ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ فُنْدُقٌ؟ نَعَمْ.

التَّمرينُ الثَّالثُ: گزینه درست را انتخاب کنید.

- | | | |
|----------------------------|-------------------------------------|------------------------------------|
| ۱. بِمَعْنَى الْحَدِيقَةِ: | ☐ البُسْتَان | ☐ الصَّف |
| ۲. عَمُودُ الدِّين: | ☐ الصَّبْر | ☐ الصَّلَاة |
| ۳. زَمَانٌ طَوِيلٌ: | ☐ الْيَوْم | ☐ السَّنَة |

التَّمرينُ الرَّابِعُ: با استفاده از کلمات زیر، جدول را کامل کنید و رمز را به دست بیاورید.

بُستان - لِسَان - گَلام - یَوم - صِحَّة - عَمود - صَلَاة - طُلَّاب - قَرِيب - هُنَا - مُجَالَسَة - بَعِيد - غَرَفَة - أُولَئِكَ - عَدَاوَة



۱. زبان
۲. دانشجویان
۳. تندرستی
۴. سخن
۵. نماز
۶. اتاق
۷. ستون
۸. روز
۹. آنها
۱۰. باغ
۱۱. فراموشی
۱۲. همشینی
۱۳. دشمنی
۱۴. نزدیک
۱۵. اینجا



رمز :

لغت های مذکر و مونث	لغت های همراه با جمع مکسر	لغت های مشابه در فارسی	لغت های متضاد	کلمه پرسشی اسم ضمیر و حروف
احسان: نیکی	جندی: سرباز (جنود: سربازان)	جواب: جواب	بعید قریب	هل: آیا
بائع: فروشنده	حقیبة: کیف (حقائب: کیف ها)	وقت: وقت	قلیل کثیر	نعم: بله
بعید: دور	مدینة: شهر (مدن: شهرها)	مرتب: مرتب	مدینة قریة	لا: نه
قریب: نزدیک	بستان: باغ (بساتین: باغ ها)		نعم لا	هنا: اینجا
جزاء: پاداش			هناک هنا	هناک: آنجا
صلوة: صلاة: نماز				رب: چه بسا
عمود: ستون				الا: به جز
غرفة: اتاق				
فندق: هتل				
قریة: روستا				
قلیل: کم				
کثیر: زیاد				
لسان: زبان				
طویل: طولانی				

كُنُوزُ الْحِكْمِ

واژه نامه تصویری (7تصویر)



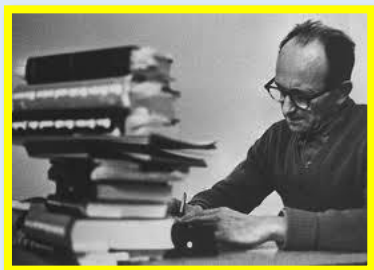
سائق : راننده



حسام : شمشیر



جَوَّال (الهاتفُ الجَوَّالُ) : تلفن همراه



کاتب : نویسنده



سَيَّارَة : خودرو



سَمَاء : آسمان
سَمَوات : آسمان ها



مُدَرِّس : معلم

المُعْجَم : واژه نامه (۲۱ کلمه)

أُخْتُ : خواهر	جَلِيسُ السَّوِّ : همنشین بد	ضَيْفٌ : مهمان (ضیوف: مهمان ها)
أَخٌ (أَخُو، أَخَا، أَخِي) : برادر	حُبٌّ: دوست داشتن	لُغَةٌ: زبان
أَرْضٌ : زمین	حُسْنُ الْعَهْدِ : خوش پیمانی	لِمَنْ؟ : مالِ چه کسی؟، مالِ چه کسانی؟
أَنَا: من	سَوْءٌ : بدی، بد	مَنْ؟ : چه کسی؟، چه کسانی؟
إِنَّ : قطعاً، به راستی که	سَيِّدٌ : آقا	وَحْدَةٌ : تنهایی
أَنْتَ: تو «مؤنث»	سَيِّدَةٌ : خانم	هُوَ: او «مذکر»
أَنْتَ: تو «مذکر»	صَدِيقٌ : دوست (أَصْدِقَاءُ: دوستان)	هِيَ: او «مؤنث»

۱. الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّ. رسول الله ﷺ

۲. إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ. رسول الله ﷺ

۳. حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ. رسول الله ﷺ

۴. الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ. الإمام علي عليه السلام

کلمات پرسشی 2: مَن؟ لِمَن؟



مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟
هِيَ مُجَاهِدَةٌ.



مَنْ هَذَا الْعَالِمُ؟
هُوَ أَبُو رِيحَان.



مَنْ هِيَ؟
هِيَ عَالِمَةٌ إِيرَانِيَّةٌ.



مَنْ هُوَ؟
هُوَ زَكْرِيَّا الرَّازِي.



مَنْ أَنْتِ؟
أَنَا مُدِيرَةُ الْمَكْتَبَةِ.



مَنْ أَنْتَ؟
أَنَا مُدِيرُ الْمَكْتَبَةِ.

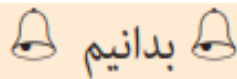


لِمَنْ تِلْكَ السَّيَّارَةُ؟
لِمُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.



لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِييبَةُ؟
لِمَرْيَمَ.

الاستثنائي



۱. «مَنْ هُوَ» برای مذکر و «مَنْ هِيَ» برای مؤنث است؛ مثال:

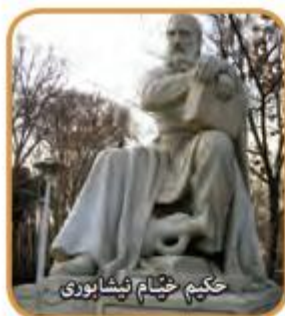
- مَنْ هُوَ أستاذُ اللُّغَةِ الفَارِسیَّةِ؟ - السَّيِّدُ أَكْبَرِي.

- مَنْ هِيَ أستاذَةُ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ؟ - السَّيِّدَةُ شَفِيعِي.

۲. «هُوَ» و «هِيَ» در جمله‌هایی مانند «مَنْ هُوَ الْمُدِيرُ؟» و «مَنْ هِيَ الْمُدِيرَةُ؟» ترجمه نمی‌شود.



التَّمرینُ الأوَّلُ: پاسخ هر پرسش کدام است؟



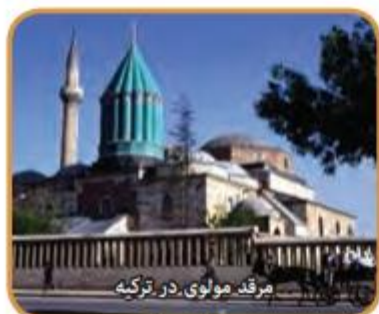
۲ - مَنْ هُوَ؟

هوَ شاعِرٌ إيرانيٌّ. ☐ نَعَمْ؛ هوَ شاعِرٌ. ☐



۱ - مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟

هوَ ضَيْفٌ. ☐ هِيَ كاتِبَةٌ. ☐



۴ - لِمَنْ هَذَا الْمَرَقَدُ؟

لِمولانا جلال الدين. ☐ هذا جلال الدين. ☐



۳ - مَنْ هِيَ؟

هِيَ لاعِبَةٌ قَوِيَّةٌ. ☐ هِيَ جُنْدِيَّةٌ شُجاعَةٌ. ☐

التَّمرينُ الثَّاني: ترجمه كنيد.

۱. ﴿مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ الرعد / ۱۶

۲. لِمَنْ ذَلِكَ الْجَوَالُ الْجَمِيلُ؟ - لِلسَّيِّدِ أَخْلَاقِي.

۳. مَنْ فِي الْغُرْفَةِ؟ - الضُّيُوفُ فِي الْغُرْفَةِ.

التَّمرينُ الثَّالثُ: گزینۀ مناسب را انتخاب كنيد.

- | | | |
|-----------------------------|--|--|
| ۱. مَنْ أَنْتِ يَا بِنْتُ؟ | ☐ أَنْتِ صَدِيقُ حَامِدٍ. | ☐ أَنَا صَدِيقَةُ زَيْنَب. |
| ۲. لِمَنْ هَذَا الْقَلَمُ؟ | ☐ لَتِلْكَ الطَّالِبَةِ. | ☐ الْقَلَمُ هُنَا. |
| ۳. مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟ | ☐ هُوَ سَائِقُ السَّيَّارَةِ. | ☐ أَنْتِ سَائِقَةُ السَّيَّارَةِ. |
| ۴. مَنْ تِلْكَ الْبِنْتُ؟ | ☐ هِيَ أُخْتُ ثُرَيَّا. | ☐ هُوَ أَخُو ثُرَيَّا. |
| ۵. أَنْتَ _____ يَا وَلَدُ. | ☐ طَالِبٌ عَزِيزٌ | ☐ طَالِبَتَانِ عَزِيزَتَانِ |

التَّامِرِينَ الرَّابِعُ: به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

۱. مَنْ هُوَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ؟ (مَنْ هِيَ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ؟)

۲. هَلِ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوْءِ؟

۳. مَنْ أَنْتَ؟ (مَنْ أَنْتِ؟)

۴. مَنْ خَالِقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟

۵. مَنْ هُوَ مُدَرِّسُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ (مَنْ هِيَ مُدَرِّسَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟)

درس استثنایی

لغت های مذکر و مونث	لغت های همراه با جمع مکسر	لغت های مشابه در فارسی	لغت های مترادف (هم معنی)	کلمه پرشی ضمیر و حروف	لغت های متضاد
سید: آقا	آخ: برادر (اخوة: برادران)	کاتب: نویسنده	لغة: لسان	انت: تو (مذکر)	سید سيدة
سيدة: خانم	اخت: خواهر (اخوات: خواهران)		مدرس: معلم	انت: تو (مونث)	اخ اخت
لغة: زبان	صديق: دوست (اصدقاء: دوستان)			هو: او (مذکر)	سوء حسن
ارض: زمین	ضيف: مهمان (ضيوف: مهمانان)			هی: او (مونث)	وحدة جماعة
جلس السوء: همنشین بد	سما: آسمان (سماوات: آسمان ها)			من: (چه کسی کسانی)	کبير صغير
رب: پروردگار				لمن: مال چه کسی (مال چه کسانی)	ارض سما
سيارة: ماشین				ان: قطعا واقعا	
جوال: تلفن همراه				انا: من	
خب: دوست داشتنی					
حسام: شمشیر					
حسن العهد: خوش پیمانی خوش قولی					

کَنْزُ النَّصِيحَةِ

واژه نامه تصویری (4 تصویر)



منضده: میز



بیت : خانه



أم : مادر



ناس: مردم

المُعْجَم : واژه نامه (19 کلمه)

ما هی؟: چیست؟ «برای پرسش از شیء مؤنث»	عَالِيَةً : گران	أَفْضَلُ: برتر، برترین
مُدَارَاة: مدارا کردن	عَبْد: بنده	إِلَى: به، به سوی، تا
هُمْ:شان، آنان، «جمع مذکر»	عَيْش: زندگی	أَنْفَعُ: سودمندترین
«ي: م، من» «أُمِّي: مادرم	فَاعِلَةٌ: انجام دهنده اش	أَنْفَعُهُمْ: سودمندترینشان
يَمِين: راست	مَا؟: چه؟، چه چیز؟، چیست؟	حَوْلُ: اطراف
يَسَار: چپ	مَاذَا؟: چه؟، چه چیز؟	دَوْرَان: چرخیدن
ما هو؟: چیست؟ «برای پرسش از شیء مذکر»		رَخِيص، رَخِيصَةٌ: ارزان

کلمات پرسشی 3: ما؟

ما؟



ما مَعْنَى هَذِهِ الْعَلَامَةِ؟
الدَّوْرَانُ إِلَى الْيَسَارِ مَمْنُوعٌ.



ما مَعْنَى هَذِهِ الْعَلَامَةِ؟
الدَّوْرَانُ إِلَى الْيَمِينِ مَمْنُوعٌ.



ما هَذِهِ؟
هَذِهِ هَدِيَّةٌ لِأُمِّي.



ما هَذَا؟
هَذَا مِفْتَاحُ الْبَيْتِ.

بدانیم

«هو» و «هي» در مثال‌های زیر ترجمه نمی‌شود و آوردن آن اختیاری است؛ مثال:

ما هُوَ الْمُشْكِلُ؟ = مَا الْمُشْكِلُ؟ ما هِيَ الْمُشْكِلَةُ؟ = مَا الْمُشْكِلَةُ؟

این جمله‌ها را ترجمه کنید.

ما هِيَ اللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي إِيرَانَ؟ - الْفَارْسِيَّةُ.

مَاذَا عَلَى الْمِنْصَدَةِ؟ - جَوَّالُ أُمِّي.

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



۲- ما تِلْكَ عَلَى الْجَبَلِ؟



۱- ما ذَلِكَ؟



۴- ما هَذِهِ؟



۳- ما هَذَا؟

التَّمرينُ الثَّاني: ترجمه کنید.

۱. ما هاتانِ؟ - هاتانِ، هَدِيَّتَانِ غَالِيَتَانِ.

۲. ما هَذِهِ؟ - هَذِهِ، جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ لِلْفَائِزِ الأوَّلِ.

۳. ماذا في تِلْكَ السَّيَّارَةِ الْكَبِيرَةِ؟ - حَقَائِبُ الْمُسَافِرِينَ.

التَّمرينُ الثَّالثُ: متضادّ كلمات زیر کدام است؟

(حُسْن - رَخِيصَة - كَثِير - جَالِس - جَمَاعَة - بَعِيد)

قَرِيب ≠ _____ قَلِيل ≠ _____ وَحْدَة ≠ _____
وَاقِف ≠ _____ سَوْء ≠ _____ غَالِيَة ≠ _____

التَّمرينُ الرَّابِعُ: معادل مؤنث هر کلمه را از میان کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

(الْبِنْتُ - الْبَنَات - الْمَرْأَة - النِّسَاء - هَذِهِ - أَنْتِ - هِيَ - الْأُخْتُ - هَاتَانِ - تِلْكَ)

الرَّجُل : _____ الْوَلَد : _____ الرِّجَال : _____ الأولاد : _____ أَنْتَ : _____
هَذَا : _____ ذَلِكَ : _____ هَذَانِ : _____ الْأَخ : _____ هُوَ : _____

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: در جای خالی گزینه مناسب قرار دهید. سپس جمله را ترجمه کنید.

۱. خَيْرُ النَّاسِ النَّاسِ. أَنْفَعُ صَغِيرُ

۲. عَدَدُ الْمُسَافِرِينَ فِي الْفُنْدُقِ قَرِيبُ كَثِيرُ

۳. الْإِنْسَانُ الْإِحْسَانَ. عَيْشُ عَبْدُ

۴. قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ بِ عَقْلِهِ سُنَّهِ

۵. حُسْنُ الْعَهْدِ عَلَائِمُ الْإِيمَانِ. مِنْ مَنْ

پروپوزیشن استثنایی

مذکرو- لغت‌های مونث	لغت‌های متضاد	مشابه لغت‌های در فارسی	کلمات پرسشی	لغت‌های معادل مذکرو مونث
افضل: برتر برترین	رخصه غالبه	مداراة: مدارا کردن	ما: چیست چه	بنت: این
انفعهم: سود مندترینشان	رجال نساء	هدیه: هدیه	ماذا: چه چیز	رجال: نساء
اليوم: امروز	يسار يمين	ممنوع: ممنوع		هو: هی
امی: مادرم		علامة: علامت		الاخ: الاخت
حول: اطراف				هذا: هذه
دوران: چرخیدن				ذلك: تلك
رخصه: ارزان				هذان: هاتان
غالبه: گران				
شارع: خیابان				
عبد: بنده				
عیش: زندگی				
فاعله: انجام دهنده اش				
ناس: مردم				
نساء: زنان				
يسار: چپ				

الحِكْمُ النَّافِعَةُ

واژه نامه تصویری (6 تصویر)



بَقَرَة: گاو



يَد : دست



قَدَم: پا
أَقْدَام: پاها



بَاب: در



سَفِينَة: کشتی



تَحْتَ : زیر

المُعْجَم: واژه نامه: (17 کلمه)

أَمَامَ: رو به رو	خَلْفَ: پشت	فَوْقَ: بالا، روی	نِيَات: نیت ها «مفرد: نِيَّة»
أَيْنَ: کجا	عَلَى الْيَسَارِ: سمت چپ	قَرِيبٌ مِنْ: نزدیک به	وَرَاءَ: پشت
جَنْبَ: کنار	عَلَى الْيَمِينِ: سمت راست	مُدَارَةُ النَّاسِ: مدارا کردن با مردم	هُنَاكَ: آنجا
جَنَّةَ: بهشت	عَلَيْكَ بِ: بر تو لازم است،	مَعَ: با، همراه	
حُسْنُ الْخُلُقِ: خوش اخلاقی	تو باید	مِنْ أَيْنَ: اهل کجا، از کجا	

۱. الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ. رسول الله ﷺ

۲. عَلَيْكَ بِمُدَارَةِ النَّاسِ. رسول الله ﷺ

۳. حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. رسول الله ﷺ

۴. الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَمْهَاتِ. رسول الله ﷺ

۵. يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. الإمام علي عليه السلام

کلمات پرسشی 4: آين؟



أَيْنَ الرَّجُلُ؟
تَحْتَ السَّيَّارَةِ.



أَيْنَ السَّفِينَةُ؟
فِي الْخَلِيجِ الْفَارِسِيِّ.



أَيْنَ الْوَلَدُ؟
خَلْفَ الْبَابِ.

بدانيم

۱. در پاسخ به «آين» از چنين کلماتي استفاده مي کنيم.

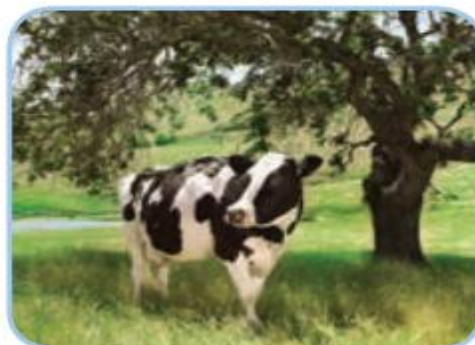
فَوْقَ، تَحْتَ، أَمَامَ، خَلْفَ (وَرَاءَ)، جَنْبَ، عِنْدَ، حَوْلَ، بَيْنَ، فِي، عَلَى، عَلَى الْيَمِينِ، عَلَى الْيَسَارِ، هُنَا، هُنَاكَ

۲. براي اينکه از کسي پرسيم «شما اهل کجا هستيد؟» از اصطلاح «مِنْ أَيْنَ؟» استفاده مي کنيم؛

مثال:

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: با توجه به تصوير به پرسش هاي زير پاسخ کوتاه دهيد.



التَّامِرِينَ الثَّانِي: با توجه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.



۱- أَيْنَ الْوَلَدُ؟

۲- أَيْنَ السَّيَّارَةُ؟

۳- أَيْنَ الرَّجُلُ؟

۴- أَيْنَ الْمَرْأَةُ؟

۵- ماذا عَلَى السَّيَّارَةِ؟

التَّامِرِينَ الثَّالِثُ: ترجمه کنید.

۱ - أَيْنَ الْمَكْتَبَةُ؟

- عَلَى الْيَمِينِ.

۲ - أَيْنَ الْبُسْتَانُ؟

- عَلَى الْيَسَارِ.

۳ - أَيْنَ مَدِينَةُ بَدْرَةَ؟

- قَرِيبَةً مِنْ إِيلَامِ.

۴ - أَيْنَ الْمِفْتَاحُ؟

- هُنَاكَ؛ عَلَى الْبَابِ.

۵ - مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

- أَنَا مِنَ الْيَمَنِ.

لغت های مذکر و مونث	لغت های همراه با جمع مکسر	در پاسخ به این؟	مترادف	کلمه پرسشی و...	لغت های متضاد
باب: در	قَدَم: پا (اقدام: پاها)	فَوْق: بالا	خَلْف: وراء	این؟ کجا؟	حسن الخلق سوء الخلق
بَثْرَة: گاو ماده	عَمَل: کار (اعمال: کارها)	عَلَى: روی بر		من این؟ از کجا اهل کجا	على اليمين على اليسار
سَفِينَة: کشتی	باب: در (ابواب: درها)	تَحْتَ: زیر		مع: با همراه	به سمت راست به سمت چپ
قَمَر: ماه		امام: روبرو		علیک: تو باید بر تو لازم است	هنا لِمَكَانِ الْقَرِيبِ
يَد: دست		خَلْف: (وراء): پشت			هناك لِمَكَانِ الْبَعِيدِ
قَرِيب: من: نزدیک به		عِنْد: نزد			
الْجَنَّة: بهشت		جَنْب: کنار			
		حَوْل: پیرامون			
		بَيْن: میان			
		فِي: در			

المَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ

واژه نامه تصویری (16 تصویر)



إثنا عشر: دوازده



أحد عشر: يازده



مصحف: قرآن



صورة:



بحر: دریا



نار: آتش

أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: چهار چیز اندکش زیاد است	حَيَاءٌ: شرم	مَوَاعِظُ: پندها «مفرد: مَوْعِظَةٌ»
أُسْبُوعٌ: هفته	خَلَقَ: آفرید	نَظَرٌ: نگاه
الَّذِي: کسی که	سَخَاوَةٌ: بخشندگی	وَجَعٌ: درد
بِدَايَةِ: شروع	سُورٌ: سوره ها «مفرد: سُورَةٌ»	وَجْهٌ: چهره
ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: سه چیز	شَهْرٌ: ماه «جمع: شُهُور»	يَوْمٌ: روز «جمع: أَيَّامٌ»
حَسَنَةٌ: خوب	كَمْ؟: چند، چقدر	

١. النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ، عِبَادَةٌ: «النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ» وَ «النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ» وَ «النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ».

٢. أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: «الْفَقْرُ وَ الْوَجَعُ وَ الْعَدَاوَةُ وَ النَّارُ».

٣. خَمْسَةُ أَشْيَاءَ، حَسَنَةٌ فِي النَّاسِ: «الْعِلْمُ وَ الْعَدْلُ وَ السَّخَاوَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الْحَيَاءُ».

کلمات پرسشی 5: کَم؟



کَم جَوَّالاً هُنَا؟
ثَلَاثَةٌ.



کَم يَوْمًا أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ؟
سَبْعَةٌ.



کَم «قُلِّ» فِي بَدَايَةِ هَذِهِ السُّورِ؟
أَرْبَعَةٌ.



کَم لَاعِبًا فِي الصُّورَةِ؟
سِتَّةٌ.



کَم كِتَابًا هُنَا؟
ثَمَانِيَةٌ.



کَم عَدَدُ الْمَفَاتِيحِ؟
خَمْسَةٌ.

بدانم

- ١- واحد ٢- اِثْنَانِ ٣- ثَلَاثَةٌ ٤- أَرْبَعَةٌ ٥- خَمْسَةٌ ٦- سِتَّةٌ
٧- سَبْعَةٌ ٨- ثَمَانِيَةٌ ٩- تِسْعَةٌ ١٠- عَشْرَةٌ ١١- أَحَدَ عَشَرَ ١٢- اِثْنَا عَشَرَ

٢. کلمه پرسشی «کَم» به معنای «چند» است؛ مثال: کَم شَخْصاً جَنَّبَ الْبَحْرَ؟ - عَشْرَةٌ.



التمرين الأول: در جاهای خالی عددهای مناسب بنویسید.

واحد - _____ - ثلاثة - أربعة
خمسة - _____ - سبعة - ثمانية
عشرة - _____ - أحد عشر -

التمرين الثاني: گزینه درست کدام است؟

۱. كم أسبوعاً في الشهر؟
☐ عشرة ☐ أربعة
۲. كم صفّاً في المرحلة الابتدائية؟
☐ ستة ☐ اثنان

التمرين الثالث: ترجمه کنید.

۱. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾. هود ۷

۲. ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾. توبه ۳۶

۳. كم يوماً أنت في السفر؟ - تقريباً تسعة أيام.

لغت ها مذکر و مونث	لغت های همراه با جمع مکسر	عدد های اصلی	اوقات	کلمه پرسشی
بحر: دریا	یوم: روز (ایام: روزها)	واحد: یک	یوم: روز	کم؟ چند؟
بداية: شروع	اسبوع: هفته (اسابيع: هفته ها)	اثنان: دو	اسبوع: هفته	
حسنة: خوبی	شهر: ماه (شهور: ماه ها)	ثلاثة: سه	شهر: ماه	
مصحف: قرآن	سنة: سال (سنوات: سال ها)	اربعة: چهار	سنة: سال	
نار: آتش	سورة: سوره (سور: سوره ها)	خمسة: پنج		
نظر: نگاه	موعة: پند (مواعظ: پندها)	سنة: شش		
وجع: درد		سبعة: هفت		
وجه: چهره		ثمانية: هشت		
طفل: بچه		تسعة: نه		
الذي: کسی که		عشرة: ده		
سخاوه: بخشنکی		احد عشر: یازده		
		اثنا عشر: دوازده		

نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّانِي وَ الثَّالِثِ

نگاهی به درس دوم و سوم

کلمات پرسشی		
مثال	کلمه پرسشی	
هَلْ هَذَا جُنْدِيٌّ؟ (أ هَذَا جُنْدِيٌّ؟) نعم؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.	أ، هَلْ: آیا	
مَنْ هُوَ؟ هُوَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ.	مَنْ: چه کسی، کیست، چه کسانی	
لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ، لِصَدِيقَتِي.	لِمَنْ: مالِ چه کسی	

ما هَذَا؟ ذَلِكَ قَلَمٌ.	ما: چیست، چه چیزی	
مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ مِنْ هَمْدَانَ.	أَيْنَ: کجا	
كَمْ طَالِباً فِي الصَّفِّ؟ عَشْرَةٌ.	كَمْ: چند	

مستثنای

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

واژه نامه تصویری (5 تصویر)



أُسرة : خانواده



جَدَّة : مادر بزرگ



جَد : پدر بزرگ



أَب (أبو، أبا، أبي) : پدر



شارع : خیابان

المُعْجَم: واژه نامه (۱۹ کلمه)

إلى اللقاء : به امید دیدار	حَالِك: حالِ تو	نِهايَه : پایان
حوار : گفت و گو	حَالِك: حالِ تو	هُم : آنان ، ایشان «جمع مذکر»
صَبَاحَ الْخَيْر ، صَبَاحَ النُّور :صبح به خیر	كُم : بَتان ، شما	أَنْتُمْ : شما «جمع مذکر»
في أمانِ اللَّهِ : خدا حافظ	فُنْدُقُكُمْ: هتلتان	هُمَا: ایشان، آنها، آن دو
كَيْفَ: چطور؟	نات: مان، ما	وجهما: صورتشان
ك : عت ، تَو (مذکر)	فُنْدُقْنَا: هتلمان، هتل ما	
ك : عت ، تَو (مؤنث)	مَعَ السَّلَامَةِ: به سلامت	



حِوَارُ بَيْنَ وَلَدَيْنِ

سَمِير: السَّلَامُ عَلَيْكَ.

- صَبَاحَ الْخَيْرِ.

- كَيْفَ حَالُكَ؟

حَمِيد: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

- صَبَاحَ النُّورِ.

- أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتَ؟

- أَنَا بِخَيْرٍ؛ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

- أَنَا مِنَ الْعِرَاقِ؛ هَلْ أَنْتَ مِنْ مَشْهَدٍ؟

- وَ أَنَا مِنَ الْبَصْرَةِ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ.

- إِسْمِي سَمِيرٌ وَ مَا اسْمُكَ؟

- أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟

- أَنَا مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

- لَا؛ أَنَا مِنْ مَازَنْدَرَانٍ فِي شَمَالِ إِيْرَانِ.

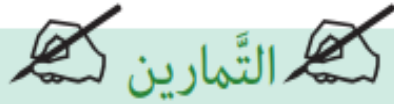
- مَا اسْمُكَ؟

- إِسْمِي حَمِيدٌ.

- هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ.

ذَلِكَ أَبِي وَ تِلْكَ أُمِّي.

ذَلِكَ جَدِّي وَ تِلْكَ جَدَّتِي.



التَّمرينُ الأوَّلُ: با توجه به متن درس، پاسخ صحیح و غلط را معلوم کنید.

صحيح غلط



۱. سميرٌ من مصر.



۲. حميدٌ من مازندران.



۳. جعفرٌ أخو حميدٍ.

التَّمرينُ الثَّاني: به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. كيفَ حالكَ؟ (حالكِ؟)

۲. مِنْ أينَ أنتَ؟ (أنتِ؟)

۳. مَا اسمُكَ؟ (اسمكِ؟)

۴. أينَ بيتُكَ؟ (بيتكِ؟)

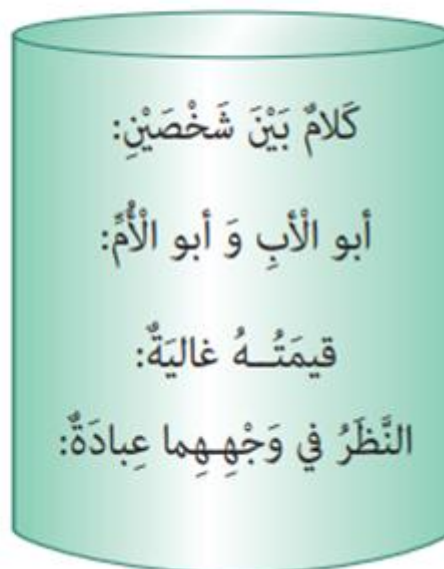
پس استثنایی

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: کلمات مرتبط در ستون «الف» و «ب» را به هم وصل کنید.

ب



الف



سار

روپرویش استثنایی

لغت های مذکر	مکالمه	کلمه پرسشی و ضمایر	مترادف	اعضای خانه
شارع:خیابان	حوار:گفت و گو	کیف؟چطور	صبح النور	أسرة:خانواده
صبحا خیر:صبح به خیر	اتم؟شما جمع مذکر	صبحا الخیر	آب:پدر	
انا بخیر:خویم	ک:تو	أم:مادر		
ما اسمک؟ اسمت چیست؟	هم:آنان جمع مذکر	جد:پدربزرگ		
مع السلامة: به سلامت		جدة:مادربزرگ		
الى اللقاء:به امید دیدار				
فی امان الله:خدا حافظ				

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

واژه نامه تصویری (8 تصویر)



فُستَان : پیراهن زنانه



سِرْوَال : شلوار



عِبَاءَة : چادر



سوق : بازار



تُفَاح، تَفَاحَة : سیب



قَمِیص : پیراهن



رِسَالَة : نامه



عَلَم : پرچم

المُعْجَم : واژه نامه (۳۲ کلمه)

أَخَذَ : گرفت ، برداشت اشْتَرَى : خرید	أُم : یا ذَكَرَ : یاد کرد	صَدِيقَاتِي : دوستانم «مؤنث» غَسَلَ : شست	كَ : ت ، - تو «مؤنث» صَدِيقُكَ : دوست
اشْتَرَيْتُ : خریدم اشْتَرَيْتَ : خریدی «مذكر»	ذَهَبَ : رفت ذَهَبْتُ : رفتم	قَرَأَ : خواند قَرَأَتْ : خواندی «مذكر»	وَحَدَكِ : تو به تنهایی «مذكر» وَحَدَكَ : تو به تنهایی «مؤنث»
اشْتَرَيْتَ : خریدی «مؤنث» أَصْدِقَانِي : دوستانم «مذكر»	ذَهَبْتُ : رفتی «مذكر» ذَهَبْتَ : رفتی «مؤنث»	قَرَأْتُ : خواندم كَانَ ، كَانَتْ : بود	لَكِنْ : ولی لِمَاذَا؟ : چرا؟ ، برای چه؟
أَكَلَ : خورد	رَفَعَ : بالا بُرد ، برداشت	كَتَبَ : نوشت	مَبْرُوكٌ : مبارک
أَلْفٌ : هزار (۱۰۰۰)	شُكْرًا جَزِيلًا : بسیار متشکرم	لَا فَرْقَ : فرقی نیست	مَلَابِسٌ : لباس ها

في السُّوقِ



- أَيْنَ ذَهَبْتُ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟
- هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟
- أَ ذَهَبْتُ وَحَدَكِ؟
- كَيْفَ كَانَتْ قِيمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
- فَلِمَاذَا اشْتَرَيْتَ؟
- مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟
- مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانٍ اللَّهُ.
- ذَهَبْتُ إِلَى سَوَاقِ النَّجَفِ.
- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.
- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.
- مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.
- اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.
- فُسْتَانًا وَ عِبَاءَةً.
- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



- أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟
 - هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟
 - أَ ذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟
 - كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
 - فَلِمَذَا اشْتَرَيْتَ؟
 - مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟
 - مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.
- ذَهَبْتُ إِلَى سَوِّقِ النَّجَفِ.
 - نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ رِجَالِيَّةً.
 - لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.
 - مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.
 - اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.
 - قَمِيصًا وَ سِرْوَالًا.
 - شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

فعل ماضى (١) (اول شخص و دوم شخص مفرد)



ماذا قَرَأْتَ؟
 قَرَأْتُ أَشْعَارًا.



ماذا أَكَلْتَ؟
 أَكَلْتُ تَفَاحَةً.

بدانیم

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده‌اید. فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: «رفتم: دَهَبْتُ». از درس پنجم تا پایان درس دهم با فعل ماضی آشنا می‌شوید. به جمله‌های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

اَوَّل شخص مفرد.	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أَنْتَ فَعَلْتَ. أَنْتِ فَعَلْتِ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	درس ۶	
اَوَّل شخص جمع.	ما انجام دادیم.	درس ۸	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	درس ۹	
سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	درس ۱۰	



أَنَا رَفَعْتُ عِلْمَ إِيْرَان.



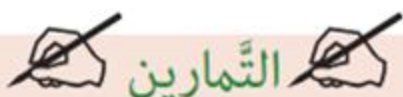
أَنَا كَتَبْتُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي.



أَنْتِ قَرَأْتِ كِتَابًا عِلْمِيًّا.



أَنْتَ أَخَذْتَ كِتَابًا مُفِيدًا.



التمرين الأول: جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

۱. ماذا اشتریت؟ - اشتریت فستاناً و عباءة.

۲. ماذا غسلت؟ - غسلت ملایسی و ملایس أسرتی.

۳. من أين أخذت قميصك؟ - أخذته من هناك.

الاستثنائي

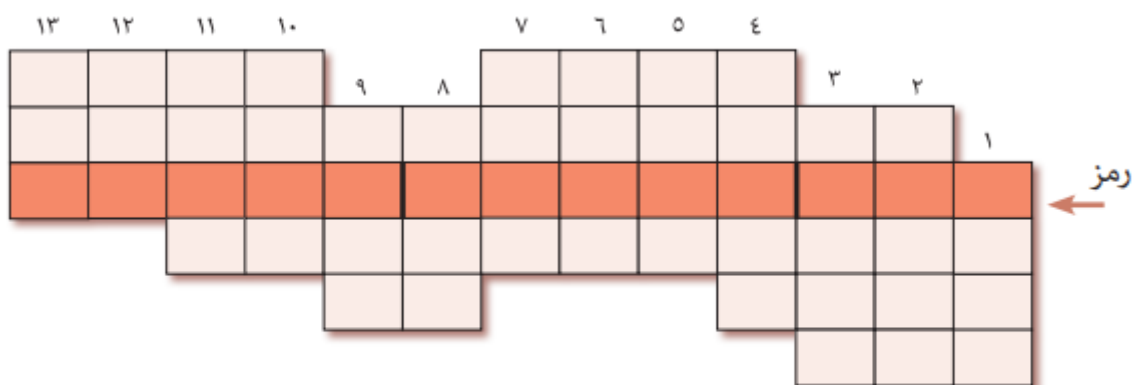
التَّمرينُ الثَّاني: گزینه درست را انتخاب کنید.

۱. أنا مَلابِسي. ☐ غَسَلْتُ ☐ غَسَلْتَ
۲. أنتَ العَلَم؟ ☐ رَفَعْتُ ☐ رَفَعْتَ
۳. أنتِ صَدِيقَتِكَ. ☐ دَكَّرْتُ ☐ دَكَّرْتَ
۴. أنتَ هَدِيَّتِكَ؟ ☐ أَخَذْتُ ☐ أَخَذْتَ
۵. كَمْ تُفَاحَةً أَكَلْتَ؟ تُفَاحَتَيْنِ. ☐ أَكَلْتُ ☐ أَكَلْتَ

التَّمرينُ الثَّالثُ: جدول را با کلمات داده شده کامل کنید؛ سپس رمز را بنویسید.

دَكَّرْتُ - أَرْض - غَسَلْتُ - تُفَاح - رَفَعْتُ - جَدَّة - قَمِيص - عَبَاءَة - رَخِيص - رِسَالَة - أَكَلْتُ -
طُلَّاب - أَلْفَانِ

۱. دانشجویان ۲. دو هزار ۳. چادر ۴. نامه ۵. شُستی ۶. بالا بردم ۷. خوردم ۸. پیراهن
۹. سیب ۱۰. یاد کردم ۱۱. ارزان ۱۲. زمین ۱۳. مادر بزرگ



رمز :

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

افعال	جمع مکسر	اسم و...	حرف واسم	مکالمه
أَخَذَ: گرفت برداشت	لباس: ملابِس	بارِد: سرد	ام: بیا	شکرا جزایلا: بسیار متشکرم
اشتری: خرید	صَدِيق: دوست (اصدقاء: دوستان)	رِسَالَة: نامه	لکن: ولی	
أَكَلَ: خورد		سروال: شلوار	وَحَدَك: توبه تنهایی	
ذَكَرَ: یاد کرد		عَبَاءَة: چادر	لا فرق: فرقی نیست	
رَفَعَ: بالا برد		فُسْتَان: پیراهن زنانه	لماذا: برای چه	
عَسَلَ: شست		قَمِيص: پیراهن		
ذهب: رفت		تَفَاح: سیب		
خَلَقَ: آفرید		سوق: بازار		
قَرَأَ: خواند		عَلَم: پرچم		
كَانَ: بود		مَبْرُوك: مبارک		

الدَّرْسُ السَّادِسُ

واژه نامه تصویری (۴ تصویر)



شَمْس : خورشید



نَهار: روز



قَمَر : ماه



فَلّاح : کشاورز

المُعْجَم : واژه نامه (۳۷ کلمه)

إِذَا: هرگاه، اگر	دَخَلَ: داخل شد	سَلَّمَ: سالم ماند	قَرُبَ مِنْ: نزدیک شد به	الْمُسْلِمُ مِنَ سَلَامِ النَّاسِ...:
أَرَادَ: فرومایگان	خُسِرَان: زیان	سَمِعَ: شنید «مذکر»	قَصِير: کوتاه	مسلمان کسی است که
أَفَاضِل: شایستگان	ذَهَبَتْ: رفت «مؤنث»	سَمِعَتْ: شنید «مؤنث»	مَلَك: فرمانروا شد	مردم سالم بمانند...
أُمُّهُ: مادرش	رَجَعَ: برگشت	صَعِدَ: بالا رفت	مَنْ: هرکس	لَعِبَ: بازی کرد
بَحَثَ عَنْ: دنبال... گشت	زَرَعَ: کاشت	طَرَقَ: کوید	مَنْ زَرَعَ الْغَدَاة: هرکسی	وَاجِب: تکلیف
ثُمَّ: سپس	سَأَلَ: پرسید «مذکر»	عَدُو: دشمنی	دشمنی کاشت (بکارد)	وَجَدَ: پیدا کرد
خَصَدَ: درو کرد	سَأَلَتْ: پرسید «مؤنث»	عَنْ: از	مَنْ: کسی که	وَصَلَ: رسید
خَرَجَ: بیرون رفت	سَأَلْتَهُ: از او پرسید	فَتَحَ: باز کرد	لِسَانَهُ: زبانش	هَلَكَ: هلاک شد

الْجُمَلَاتُ الدَّهَبِيَّةُ

لَعِبَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ فِي الْمَدْرَسَةِ. رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ.

هُوَ طَرَقَ بَابَ الْمَنْزِلِ.

سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ ثُمَّ دَهَبَتْ وَفَتَحَتْ الْبَابَ وَسَأَلَتْهُ:

الْأُمُّ: كَيْفَ حَالُكَ؟

الْوَلَدُ: أَنَا بِخَيْرٍ.

الْأُمُّ: مَا هِيَ وَاجِبَاتُكَ؟

يَاسِرٌ: حَفِظْتُ هَذِهِ الْجُمَلَاتِ الدَّهَبِيَّةَ.



«إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ؛ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.»

«مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.»، «التَّجْرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ.»

«خَيْرُ النَّاسِ، أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.»

«الْمُسْلِمُ، مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ.»، «لِسَانُ الْمُقْصِرِ، قَصِيرٌ.»



الْأَعْبَةُ رَفَعْتُ عَلَّمَ ایران.

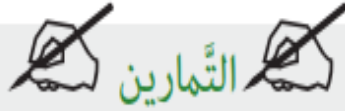


الْفَلَّاحُ زَرَعَ الرَّيْحَانَ.

بدانیم

ه جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

اول شخص مفرد.	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أَنْتَ فَعَلْتَ.	
		أَنْتِ فَعَلْتِ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	هُوَ فَعَلَ.	
		هِيَ فَعَلَتْ.	
اول شخص جمع.	ما انجام دادیم.	درس ۸	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	درس ۹	
سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	درس ۱۰	



التَّمرينُ الأوَّلُ: كلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. (=، ≠)

عُدَّوان صَدَاقَةٌ جَاهِل عَالِم أَرَاذِل أَفْضَل أَفْضَل خَيْر
بِدَايَةٌ نِهَايَةٌ رَخِيصَةٌ غَالِيَةٌ عُدَّوان عَدَاوَةٌ خَلْفَ وَرَاءَ

التَّمرينُ الثَّاني: کلمه ناهم‌هنگ در هر مجموعه کدام است؟

۱. عَلم ☐ أُخْت ☐ أَخ ☐ وَالِد ☐
۲. يَد ☐ ماء ☐ وَجْه ☐ لِسَان ☐
۳. قَمِيص ☐ قُسْتَان ☐ جَوَال ☐ سِرْوَال ☐
۴. قَصِير ☐ نَافِذَةٌ ☐ بَاب ☐ غُرْفَةٌ ☐
۵. خَرَجَ ☐ دَخَلَ ☐ هَلَكَ ☐ تَحْتَ ☐

التَّمرينُ الثَّالثُ: بخوانید و ترجمه کنید.



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾ الانعام ۱



﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ﴾ الانبياء ۳۳



هِيَ وَصَلَتْ إِلَى بَيْتِهَا.



هُوَ بَحَثَ عَنِ الْكُتُبِ.



أَنَا سَأَلْتُ مُدَرِّسِي.



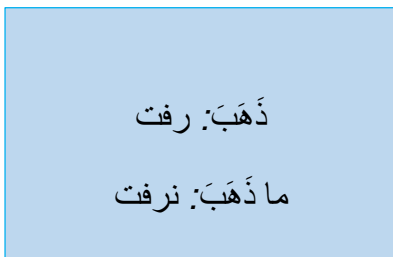
أَنَا قَرُبْتُ مِنَ الْقَرْيَةِ.

مستثنای

افعال	متضادها	اسم و...	حرف و اسم و...	کلمات مشابه در فارسی
اجاب: جواب داد	اراذل افاضل	راس: سر	اذا: هرگاه اگر	استراحت: استراحت
بقی: مانند	سال اجاب	خسران: زیان	ثم: سپس	مقصر: مقصر
بحث عن: دنبال... گشت	لیل نهار	حاز: گرم	عن: از	
حصد: دور کردن		عداوت: دشمنی	من: هرکس	
خرج: بیرون رفت		قصیر: کوتاه	من: چه کسی؟	
دخل: داخل شد		اراذل: فرومایگان		
دفع: پرداخت کرد		افاضل: شایستگان		
رفع: برداشت بلند کرد		شمس: خورشید		
زرع: کاشت		قمر: ماه		
سلم: سالم ماند		ام: مادر		
صعد: بالا رفت				
طلب: درخواست کرد				
قال: گفت				
ملک: فرمانروا شد				
وجد: پیدا کرد				
وصل: رسید				
هلك: هلاک شد				
قرب من: نزدیک شد				
رجع: برگشت				
فتح: باز کرد				
لعب: بازی کرد				

الدَّرْسُ السَّابِعُ

واژه نامه تصویری (۱ تصویر)



ماء : آب

المُعْجَم : واژه نامه (26 کلمه)

أبيه: پدرش	جَلَسَ: نشست	طَرَقْتُ: کوبید «مؤنث»	ما: حرف نفی فعل ماضی
أختها: خواهرش	جَمَعَ: جمع کرد	فَعَلَ: انجام داد	ما كانَ: نبود
أخيه: برادرش	ذاهب: رفته	كانَ ذاهباً: رفته بود «مذکر»	واجباً: تکالیف ما
أمها: مادرش	سَأَلَك: از تو پرسید «مذکر»	كانت ذاهبة: رفته بود «مؤنث»	يا: ای
بيتك: خانه ات	سَأَلْتِك: از تو پرسید «مؤنث»	لأنَّ: زیرا	يذهب: دستش
بيتكم: خانه تان	صَدِيقِي: دوستم «مذکر»	لأنَّه: زیرا او «مذکر»	ما: حرف نفی فعل ماضی
جاء: آمد	صَدِيقَتِي: دوستم «مؤنث»	لأنها: زیرا او «مؤنث»	ما كانَ: نبود

حوارٌ في الأسرة



- الْوَلَدُ - صَدِيقِي طَرَقَ الْبَابَ.
- لا؛ ما كانَ مَعَ أَبِيهِ. كانَ مَعَ أَخِيهِ.
- هُوَ سَأَلَ: «ما هيَ واجِبَاتُنَا؟»
- لِأَنَّهُ كانَ غائِباً.
- لا؛ كانَ ذاهِباً إِلَى الْمُسَابَقَةِ.
- لا.

- الْأَبُ - مَنْ طَرَقَ الْبَابَ؟
- هَلْ كانَ مَعَ أَبِيهِ؟
- ماذا سَأَلَك؟
- لِماذا سَأَلَ هَذَا السُّؤَالَ؟
- أ كانَ مَرِيضاً؟
- هَلْ هُمَا خَلَفَ الْبَابَ الْآنَ؟



الأم

مَنْ طَرَقَتْ بَابَ الْبَيْتِ؟

هَلْ كَانَتْ مَعَ أُمِّهَا؟

مَاذَا سَأَلَتْكَ؟

لِمَاذَا سَأَلْتَ هَذَا السُّؤَالَ؟

أَ كَانَتْ مَرِيضَةً؟

هَلْ هُمَا خَلَفَ الْبَابَ الْآنَ؟

البنْت

صَدِيقَتِي طَرَقَتْ بَابَ الْبَيْتِ.

لا؛ مَا كَانَتْ مَعَ أُمِّهَا. كَانَتْ مَعَ أُخْتِهَا.

هِيَ سَأَلَتْ: «مَا هِيَ وَاجِبَاتُنَا؟»

لِأَنَّهَا كَانَتْ غَائِبَةً.

لا؛ كَانَتْ ذَاهِبَةً إِلَى الْمُسَابَقَةِ.

لا.

فعل ماضى منفى



أنا ما قَرَأْتُ هَذَا الْكِتَابَ.



أنا ما خَرَجْتُ مِنْ صَفِّي.



أما سَمِعْتُ صَوْتًا؟



أما فَعَلْتُ وَاجِبَكَ؟

بدانیم

فعل ماضی با حرف «ما» منفی می شود؛

مانند: أَكَل: خورد ما أَكَل: نخورد

اکنون شما این جمله ها را ترجمه کنید.

۱. أَنَا مَا قَرُبْتُ مِنَ الْبَحْرِ.

۲. يَا سَعِيدُ، أَمَا صَعِدْتَ الْجَبَلَ؟

۳. أَنْتِ مَا وَصَلْتِ إِلَى مَدْرَسَتِكَ.

۴. هُوَ مَا جَمَعَ الْأَخْشَابَ.

۵. تِلْكَ الطَّالِبَةُ مَا رَفَعَتْ يَدَهَا.



التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: هر جمله را ترجمه كنيد. سپس زير فعل ماضى خط بكشيد.

١. ... ما خَلَقْتَ هَذَا باِطِلًا ﴿١٩١﴾ آل عمران

٢. يا صَدِيقَتِي، أَمَا دَهَبْتَ إِلَى بَيْتِكَ؟

٣. أَنَا ما جَمَعْتُ حَقَائِبَ السَّقَرِ.

٤. الطَّالِبَةُ ما جَلَسَتْ عَلَى الكُرْسِيِّ.



مستثنای

کلمات مشابه در فارسی	کلمات پرسشی	اسم و...	افعال متضاد	افعال
مَرِض: مریض	لماذا؟ برای چه	لان: زیرا	جاء دَهَبَ	جَمَعَ: جمع کرد
مُسَابَقَه: مسابقه		ماء: آب	جَلَسَ وَقَفَ	رَجَعَ: برگشت
مَنْزِل: منزل بیت		واجب: تکالیف		سَأَلَ: پرسید
الان: الان اکنون		رُحِمَ: مهربان		سَمِعَ: شنید
غائب: غایب		العَمَل: کارگاه		شَرِبَ: نوشید
مُسَافِر: مسافر		آب: پدر		طَرَّقَ: کوبید
ساعة: ساعت		أُم: مادر		فَتَحَ: باز کرد
		أَخ: برادر		فَعَلَ: انجام داد
		أُخْت: خواهر		كَانَ: بود
		بَيْت: خانه		كَتَبَ: نوشت
		يَد: دست		لَعَبَ: بازی کرد
		يَا: ای		
		ذَاهِب: رفته		

الدَّرْسُ الثَّامِنُ

المُعْجَم: واژه نامه (33 کلمه)

وَصَلْنَا: رسیدیم	قَطَعَ: بُرید	ضَرَبَ: زد	آلِهَةٌ: خدایان «مفرد: إله»
وَقَعَ: افتاد	قَطَعْنَا: بُریدیم	ضَرَبْنَا: زدیم	بارِد: سرد
وَقَفَ: ایستاد	كُلْنَا: همه ی ما	عَبَرَ: عبور کرد	جَوَّ: هوا
وَقَفْنَا: ایستادیم	لَبَسَ: پوشید	عَبَرْنَا: عبور کردیم	حُدُود: مرز، مرزها
هُمَا: آن دو، آنان، ایشان	لَبَسْنَا: پوشیدیم	عَرَفَ: شناخت	حَزَنَ: غمگین شد
	نَحْنُ: ما	عَفَا: ببخشید	حَفِظَ: حفظ کرد
نَسِيَ: فراموش کرد	نَصَرَ: یاری کرد	فَرِحَ: خوشحال شد	حَفِظَكُمُ اللَّهُ: خدا شما را حفظ کند.
والِد: پدر	والِدَة: مادر	فَرَحْنَا: خوشحال شدیم	شَعَرَ بِ: احساس...کرد.
		قَالَ: گفت	صَنَعَ: ساخت

في الحدودِ



الجَدَّة : ألو. السَّلَامُ عَلَيْكَ يا عَزِيزِي.	مُحْسِن : عَلَيْكَ السَّلَامُ. مَنْ أَنْتِ؟
الجَدَّة : كَيْفَ ما عَرَفْتَ جَدَّتَكَ؟!	مُحْسِن : عَفْوَاً؛ ما عَرَفْتُ صَوْتِكَ. كَيْفَ حَالُكَ؟
الجَدَّة : أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ حَالُكُمْ؟	مُحْسِن : كُلُّنَا بِخَيْرٍ.
الجَدَّة : أَيْنَ أَنْتُمْ الآنَ؟	مُحْسِن : وَصَلْنَا إِلَى مَدِينَةِ مِهْرَانِ فِي الْحُدُودِ.
الجَدَّة : أَيْنَ الْوَالِدُ وَ الْوَالِدَةُ؟	مُحْسِن : هُمَا جَالِسَانِ عَلَى الْكُرْسِيِّ.
الجَدَّة : هَلْ هُمَا بِخَيْرٍ؟	مُحْسِن : نَعَمْ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
الجَدَّة : كَيْفَ الْجَوُّ هُنَاكَ؟	مُحْسِن : الْجَوُّ بَارِدٌ قَلِيلاً.
الجَدَّة : ماذا لَبِسْتَ يا عَزِيزِي؟	
ماذا لَبِسَ أَبُوكَ؟	
و ماذا لَبِسْتَ أُمُّكَ؟	مُحْسِن : لَبِسْنَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.
الجَدَّة : حَفِظَكُمُ اللَّهُ! مَعَ السَّلَامَةِ.	مُحْسِن : شُكْرًا جَزِيلاً. إِلَى اللِّقَاءِ.

(اول شخص جمع)

فعل ماضى (٣)



نَحْنُ جَلَسْنَا فِي الْمَكْتَبَةِ.



نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَاتِنَا.

بدانیم

۱. به جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

اَوَّلُ شَخْصٍ مُفْرَدٍ.	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أَنْتَ فَعَلْتَ. أَنْتِ فَعَلْتِ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	هُوَ فَعَلَ. هِيَ فَعَلَتْ.	
اَوَّلُ شَخْصٍ جَمْعٍ.	ما انجام دادیم.	نَحْنُ فَعَلْنَا.	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	درس ۹	
سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	درس ۱۰	

التمارين

التمرین الأول: ترجمه کنید.

۱. ...صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ﴿٥٨﴾ الروم / ۵۸

۲. نَحْنُ مَا عَبَرْنَا الْحُدُودَ.

۳. قَالَ الطِّفْلُ: «أَنَا مَا حَزَنْتُ»

التَّمرينُ الثَّاني: كلمات مرتبطة در ردیف «الف» و «ب» را به هم وصل کنید.

الف	الفُستَانُ - العِلْمُ - الدُّنْيَا - الصَّلَاةُ - النُّسْيَانُ - السُّوَالُ
ب	مَرْعَةُ الْآخِرَةِ - كَنْزٌ - مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ - آفَةُ الْعِلْمِ - مِفْتَاحُ الْعِلْمِ - عَمُودُ الدِّينِ

التَّمرينُ الثَّالثُ: هر جمله را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أَنْتِ لَبِستِ عِبَاءَةً جَمِيلَةً.



أَنْتَ نَصَرْتَهُ. لِأَنَّكَ شَرِيفٌ.



أَنَا حَزِنْتُ قَلِيلًا.



نَحْنُ قَطَعْنَا الْخَشَبَ.



هِيَ نَسِيَتْ شَيْئاً.



هُوَ وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ.



نَحْنُ وَقَفْنَا لِأَخْذِ الْجَوَائِزِ.



نَحْنُ شَعَرْنَا بِالِافْتِيخَارِ.



نَحْنُ عَبَرْنَا الْجَبَلَ.



نَحْنُ فَرَحْنَا كَثِيراً.

افعال	جمع مکسر	اسم و...
حَزَنَ: غمگین شد	اله: خدا (الهة: خدایان)	صدر: سینه
حَفِظَ: حفظ کرد	مثل: مثال (امثال: مثال ها)	عَفُوا: ببخشید
شَوَّزَ: احساس کرد	حد: مرز (حدود: مرزها)	جَوَّ: هوا
صَنَعَ: ساخت		بارد: سرد
ضَرَبَ: زد		
عَبَرَ: عبور کرد		
عَرَفَ: شناخت		
فَرِحَ: خوشحال شد		
قَطَعَ: برید		
لَبَسَ: پوشید		
نَسَى: فراموش کرد		
نَصَرَ: یاری کرد		
وَقَعَ: افتاد		
وَقَفَ: ایستاد		
قال: گفت		

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

المُعْجَم : واژه نامه (۲۳ کلمه)

مَمْلُوءٌ بِ: پُر از	جَدُّنَا: پدر بزرگمان	أَيُّهَا: ای «برای مذکر»	أَخْتَيْنِ: دو خواهر
كُنَّا: يَتَانِ، — شما «مثنی»	جَدَّتُنَا: مادر بزرگمان	أَيُّهَا: ای «برای مؤنث»	أَخَوَيْنِ: دو برادر
دَرَسْنَا: درِستَان، درِسِ شما	زَوْجَةٌ: همسر	بِ: به وسیله	أكْبَرُ: بزرگ‌تر
كُنَّا: يَتَانِ، — شما «مؤنث»	سَمَحَ لَ: اجازه داد	بَدَأَ بِ: شروع کرد به	أولادِهِمَا: فرزندانشان
أطفالِ كُنَّا: کودکانِ شما	كِيْمِيَاء: شیمی	بُسْتَانُهُمْ: باغشان	أَنْتُمَا: شما «مثنی»
	مُسَاعَدَةٌ: کمک	بَيْتُهُمْ: خانه‌شان	أَنْتُنَّ: شما «جمع مؤنث»

الْأُسْرَةُ النَّاجِحَةُ

السَّيِّدُ زَارِعِي فَلَّاحٌ وَ زَوْجَتُهُ فَلَّاحَةٌ. هُمَا سَاكِنَانِ مَعَ أولادِهِمَا فِي قَرْيَةٍ. عَارِفٌ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخَوَيْنِ وَ سُمِيَّةُ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخْتَيْنِ. هُمُ أُسْرَةٌ نَاجِحَةٌ. بَيْتُهُمْ نَظِيفٌ وَ بُسْتَانُهُمْ مَمْلُوءٌ بِأَشْجَارِ الْبُرْتُقَالِ وَ

الْعِنَبِ وَ الرُّمَّانِ وَ التُّفَّاحِ. حِوَارٌ بَيْنَ الْوَالِدِ وَ الْوَلَدِ



الوالد: أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا عَارِفُ؟ عارف: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ مَعَ صَاحِقٍ وَ حَامِدٍ.

الوالد: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا صَاحِقُ وَ يَا حَامِدُ؟ الأخوان: بِالسَّيَّارَةِ.

الوالد: لِمَاذَا ذَهَبْتُمْ أَيُّهَا الْأَوْلَادُ؟ الإخوة: لِمُسَاعَدَةِ جَدِّنَا.

حوارُ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَالْبَنَاتِ



الوالدة: أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا سُمَيَّةُ؟ سُمَيَّة: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ مَعَ شَيْمَاءَ وَ نَرْجِسَ.

الوالدة: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا شَيْمَاءُ وَ يَا نَرْجِسُ؟ الأختان: بِالسَّيَّارَةِ.

الوالدة: لِمَاذَا ذَهَبْتُنَّ أَيُّهُمَا الْبَنَاتُ؟ الأخوات: لِمُسَاعَدَةِ جَدَّتِنَا.

فعل ماضى (٤) (دوم شخص جمع)



أَنْتُمْ بَدَأْتُمْ بِالْمُسَابَقَةِ.



أَنْتُمْ رَجَعْتُمْ مِنَ الْجَبَلِ.



أَنْتُمْ جَمَعْتُمْ كُتُبَ الْمَكْتَبَةِ.



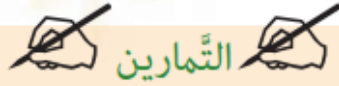
أَنْتُمْ سَمِعْتُمْ كَلَامِي بِدَقَّةٍ.

السنتياي

بدانیم

به مقایسه جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

اول شخص مفرد.	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أَنْتِ فَعَلْتِ.	
		أَنْتَ فَعَلْتَ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	هُوَ فَعَلَ.	
		هِيَ فَعَلَتْ.	
اول شخص جمع.	ما انجام دادیم.	نَحْنُ فَعَلْنَا.	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ.	
		أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ.	
		أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا.	
سوم شخص جمع.	آنها انجام دادند.	درس ۱۰	



التمرين الأول: با توجه به متن درس جمله های صحیح و غلط را معلوم کنید.

۱. عَدَدُ الْأَوْلَادِ وَالْبَنَاتِ خَمْسَةٌ.
۲. السَّيِّدُ زَارِعِي مُدْرُسُ الْكِيمَاءِ.
۳. أَشْجَارُ الرُّمَانِ فِي بُسْتَانِ السَّيِّدِ زَارِعِي.
۴. كَانَ هَدَفُ الْأَوْلَادِ وَالْبَنَاتِ مُسَاعَدَةَ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ.

التمرين الثاني: زیر فعل های ماضی خط بکشید.

۱. يَا بَنْتَانِ، كَيْفَ قَرَأْتُمَا دَرَسَكُمَا؟

۲. أَيُّهَا الطُّلَّابُ، لِمَاذَا فَتَحْتُمُ أَبْوَابَ الصُّفُوفِ؟

۳. أَيَّتُهَا السَّيِّدَاتُ، أَسَمِعْتُنَّ صَوْتَ أَطْفَالِكُنَّ؟

۴. يَا أَسْتَاذُ، هَلْ سَمَحْتَ لِي بِالْكَلامِ؟

التمرين الثالث: ترجمه کنید.

..... بَدَأْتُ: شروع کردم ⇐ أَنْشَأْتُ بَدَأْتُ:

..... وَصَلْتُمُ: رسیدید ⇐ أَنْتُمْ مَا وَصَلْتُمْ:

..... قَطَّعْتُ: بریدی ⇐ أَنْتُمَا مَا قَطَّعْتُمَا:

افعال	خانواده	اسم و...	حرف و اسم	جمع: مکسر
سَمَحَ لَنَا: جازه داد	زَوْجَة: همسر	أَكْبَر: بزرگتر	بَنَ به وسیله	وَلَد: فرزند (اولاد: فرزندان)
قَرَأَ: خواند	والد: پدر	دخول: ورود	أَهْلًا: ایتهای	فَاكْهَة: میوه (فواكه: میوه ها)
بَدَأَ: شروع کرد به	والدة: مادر	تَفَاح: سیب		
	جَد: پدر بزرگ	فَاكْهَة: میوه		
	جدة: مادر بزرگ	مُسَاعَدَة: کمک		
	أَخَوَان: دو برابر	مَمْلُوء: پراز		
	أَخْتَيْن: دو خواهر	كِيَا: شیی		

الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

واژه نامه تصویری (3 تصویر)



شَبَكَة : تور



سَمَكَة حَجَرِيَّة : سنگ ماهی



سَمَك، سَمَكَة: ماهی

المُعْجَم : واژه نامه (۴۵ کلمه)

نَظَرُنْ: نگاه کردند	فَدَ: پس	خَافَ: ترسید	إِبْتَسَمَ: لبخند
وَحِيدٌ: تنها	فَرِحُنْ: خوشحال شدند	خَافَتَا: ترسیدند	إِبْتَسَمَ: با لبخند
هَرَبَ: فرار کرد	قَبِيحٌ: زشت	خَافُوا: ترسیدند	أَحَدٌ: کسی
هَرَبَتَا: فرار کردند	قَذَفَ: انداخت	خَائِفٌ: ترسیده، ترسان	أَخَذُوا: او را گرفتند
هَرَبْنِ: فرار کردند	قَذَفُوا: انداختند	سَمَك: ماهی «جمع: أَشْمَاكُ»	إِلَيْهَا: به او
هُمَ: ایشان، ـِ آنها	قَذَفُوا: او را انداختند	سَمَكَة: ماهی «جمع سَمَكَاتُ»	أَنْ: که
مَلَأَسَهُمَ: لباس‌هایشان	لَيْكُنْ: ولی	سَمَكَة حَجَرِيَّة: سنگ ماهی	بَلْ: بلکه
هُمَا: ایشان، ـِ آنها، ـِ آن دو	لَيْكُنْهُمَ: ولی آنها	شَبَكَة: تور	جَاءَ: آمد
مَحْصُولُهُمَا: محصولشان	لِأَنَّهَا: زیرا او	شَبَكَة كَبِيرَة: تور بزرگی	جَاؤُوا: آمدند
هُنَّ، هُنَّ: ایشان، ـِ آنها	لِئَنجَاتِهَا: به خاطر نجات او	عَلِمَ: دانست	جَدًّا: بسیار
لِئَنجَاتِهَا: به خاطر نجاتشان	مِنْهَا: از او	عَلِمَ أَنْ: دانست که	جَمَالٌ: زیبایی
هُنَّ: آنان، ایشان «جمع مؤنث»	نَظَرَ: نگاه کرد	عَلِمَنْ: دانستند	حَزِينٌ: غمگین

كانت في بحرٍ كبيرٍ سمكةٌ قبيحةٌ اسمُها «السمكة الحجرية» و الأسماك خائفاتٌ منها. هي ذهبت إلى سمكتين؛ السمكتان خافتا و هربتا. هي كانت وحيدة دائماً. في يومٍ من الأيام، خمسةٌ من الصيادين جاؤوا. فقدفوا شبكةً كبيرةً في البحر.



الأسماك وقعن في الشبكة. ما جاء أحدٌ للمساعدة. السمكة الحجرية سمعت أصوات الأسماك. فنظرت إلى الشبكة فحزنت و ذهبت لنجاة الأسماك. قطعت شبكة الصيادين بسرعة. الأسماك خرجن و هربن جميعاً. فوقعت السمكة الحجرية في الشبكة و الصيادون أخذوها. كانت الأسماك حزينات؛ لأن السمكة الحجرية وقعت في الشبكة لنجاتهن.

الأسماك نظرن إلى سفينة الصيادين. هم أخذوها ولكنهم قدفوها في الماء؛ لأنها كانت قبيحة جداً فخافوا منها. الأسماك فرحن لنجاتها و نظرن إليها بإبتسام و علمن أن جمال الباطن أفضل من



جمال الظاهر.

قال الإمام علي عليه السلام: «زينة الباطن خيرٌ من زينة الظاهر.»

فعل ماضی (۵) (سوم شخص جمع)



هُمَا كَتَبَتَا.



هُمَا وَقَفَا.



هُنَّ نَظَرْنَ.



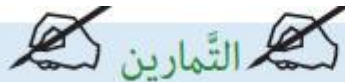
هُم لَعِبُوا.



به جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

اول شخص مفرد.	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد.	تو انجام دادی.	أَنْتِ فَعَلْتِ.	
		أَنْتَ فَعَلْتَ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	هُوَ فَعَلَ.	
		هِيَ فَعَلَتْ.	
اول شخص جمع.	ما انجام دادیم.	نَحْنُ فَعَلْنَا.	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ.	
		أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ.	
		أَنْتَمَا فَعَلْتُمَا.	

سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	هُم فَعَلُوا.	
		هُنَّ فَعَلْنَ.	
		هُمَا فَعَلَا.	
		هُمَا فَعَلَتَا.	



التَّمرينُ الأوَّلُ: با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

۱. كَانَتِ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ وَحِيدَةً.
۲. السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ.
۳. كَانَتِ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ صَغِيرَةً وَجَمِيلَةً.
۴. الصَّيَادُونَ مَا خَافُوا مِنَ السَّمَكَةِ الْحَجَرِيَّةِ.

التَّمرينُ الثَّانِي: با توجه به متن درس به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

۱. مَنْ قَذَفَ الشَّبَكَةَ فِي الْمَاءِ؟

۲. كَمْ صَيَاداً كَانَ فِي السَّفِينَةِ؟

۳. أَيْنَ وَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ؟

۴. هَلْ زِينَةُ الظَّاهِرِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الْبَاطِنِ؟

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: زیر فعل های ماضی خط بکشید.

۱. الْأَطْفَالُ حَفِظُوا سُورَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ.

۲. النِّسَاءُ وَقَفْنَ لِاسْتِقْبَالِ ضُيُوفِهِنَّ.

۳. الْفَلَاحَتَانِ حَصَدَتَا مَحْصُولَهُمَا.

۴. الْوَلَدَانِ لَبِسا مَلَابِسَهُمَا.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ترجمه کنید.

هَرَبَ: فرار کرد ← الْوَلَدَانِ هَرَبَا:

سَلِمَ: سالم ماند ← هُنَّ سَلِمْنَ:

وَقَعَ: افتاد ← الطِّفْلَةُ وَقَعَتْ:

نَصَرَ: یاری کرد ← الرِّجَالُ مَا نَصَرُوا:

عَبَرَ: عبور کرد ← أَنْتُنَّ عَبَرْتُنَّ:

ذَكَرَ: یاد کرد ← الْبَنَتَانِ ذَكَرَتَا:

کلمات مشابه در فارسی	جمع مکسر	اسم و...	حرف و اسم و..	افعال
زینہ: زینت زیبائی	سَمَك: ماهی (اسماک: ماهی ها)	اِبْتَسَام: لبخند	اِنْ: که	خَافَ: ترسید
باطن: باطن		اَحَد: کسی	بَل: بلکه	عَلِمَ: دانست
دائما: دائما همیشه		حَزین: غمگین	جَدَا: بسیار	قَدَفَ: انداخت
صیاد: صیاد		خائف: ترسیده	ف: پس	نَظَرَ: نگاه کرد
نَجاة: نجات		سَمِكة: حجریة: سنگ ماهی	لَکن: ولی	هَرَبَ: فرار کرد
بسرعة: به سرعت		قَبیح: زشت		جاء: آمد
جمعا: همه		وَحید: تنها		
ظاهر: ظاهر		شَبَكة: تور		
		جمال: زیبائی		

الدَّرْسُ الحَادِي عَشَرَ

واژه نامه تصویری (1 تصویر)



مَصْنَع : کارخانه

المُعْجَم : واژه نامه

أَجَابَ: جواب داد	رَأَى: دید	قَبِلَ: پذیرفت	لَيْسَ: نیست
آخِرَ: آخرین	سَنَوَات: سال‌ها «مفرد: سَنَة»	كَأَخِرِ عَمَلِهِ: به عنوان	مُجِدَّ: کوشا
آخِرُ عَمَلِي: آخرین کارم	شَرَاء: خریدن	آخرین کارش	مَصْنَع: کارخانه
أَعْطَى: داد	صُنِعَ: ساختن	لِأَنَّكَ: زیرا تو	مِلَّةُ: از او
أَعْطَاهُ: به او داد	طَلَبَ: خواست	لِكَلَّة: ولی او	نَدِمَ: پشیمان شد
بِحَاجَةٍ: نیازمند	عَمِلَ: انجام داد، کار کرد	إِسْتِراءَ: برای خریدن	يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ: ای کاش من
تَقَاعُدَ: بازنشستگی	قَالَ فِي نَفْسِهِ: با خودش گفت	لِصْنَعِ: برای ساختن	ساخته بودم
جَيِّدًا: خوب، به خوبی	قَالَ لَهُ: به او گفت	لَهَا: هنگامی که	

كَانَ نَجَّارٌ وَ صَاحِبُ مَصْنَعٍ صَدِيقَيْنِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، قَالَ النُّجَّارُ لِصَاحِبِ الْمَصْنَعِ: «أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَى التَّقَاعِدِ.» أَجَابَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ: «وَلَكِنَّكَ مَاهِرٌ فِي عَمَلِكَ وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْكَ يَا صَدِيقِي.» النُّجَّارُ مَا قَبِلَ. لَمَّا رَأَى صَاحِبُ الْمَصْنَعِ إِضْرَارَهُ ؛ قَبِلَ تَقَاعُدَهُ وَ طَلَبَ مِنْهُ صُنْعَ بَيْتٍ خَشَبِي قَبْلَ تَقَاعُدِهِ كَأَخِرِ عَمَلِهِ فِي الْمَصْنَعِ.



ذَهَبَ النُّجَّارُ إِلَى السُّوقِ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ لِصُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ الْجَدِيدِ. هُوَ اشْتَرَى وَسَائِلَ رَخِيصَةً وَ غَيْرَ مُنَاسِبَةٍ وَ بَدَأَ بِالْعَمَلِ لَكِنَّهُ مَا كَانَ مُجِدِّدًا وَ مَا كَانَتْ أَخْشَابُ الْبَيْتِ مَرْغُوبَةً. بَعْدَ شَهْرَيْنِ ذَهَبَ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ وَ قَالَ لَهُ: «هَذَا آخِرُ عَمَلِي.» جَاءَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ وَ أَعْطَاهُ مِفْتَاحًا ذَهَبِيًّا وَ قَالَ لَهُ: «هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ.»



هَذَا الْبَيْتُ هَدِيَّةٌ لَكَ ؛ لِأَنَّكَ عَمِلْتَ عِنْدِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةً.

نَدِمَ النُّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ وَ قَالَ فِي نَفْسِهِ: «يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَيِّدًا!»



التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: با توجَّه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

۱. قِيلَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ تَقَاعَدَ النُّجَّارَ لِأَنَّهُ كَانَ ضَعِيفًا.

۲. كَانَ النُّجَّارُ مُجِدِّدًا فِي صُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ.

۳. كَانَ الْبَيْتُ الْخَشَبِيُّ هَدِيَّةً لِلنُّجَّارِ.

۴. مَا نَدِمَ النُّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ.

۵. كَانَ النُّجَّارُ مَاهِرًا.

التَّمرينُ الثَّانِي: با توجَّه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

۱. هَلْ كَانَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ بِحَاجَةٍ إِلَى النُّجَّارِ؟

۲. مَنْ أَعْطَى مِفْتَاحًا ذَهَبِيًّا إِلَى النُّجَّارِ؟

۳. أَيْنَ ذَهَبَ النُّجَّارُ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ؟

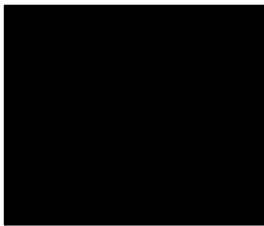
۴. مَاذَا اشْتَرَى النُّجَّارُ لِصُنْعِ الْبَيْتِ؟

افعال	حرف و اسم و..	اسم و...	حرف منفی	اصطلاحات یا شبه جمله
أجاب :جواب داد	من:از	تقاعد: بازنشستگی	لیس: نیست	آخرین عملی: آخرین کارم
أعطى:داد	لما:هنگامی که	مصنع: کارخانه		قال فى نفسه: با خودش گفت
أعطاه: به او داد	ل:برای	مُجد: کوشا		یا لیکنی صَنَعْتُ: ای کاش من ساخته بودم
نَدِمَ: پشیمان شد				فال لَهُ: به او گفت
رأى:دید				
شراء: خریدن				
طَلَبَ:آمد				
عَمِلَ:انجام داد				
قَبِلَ:پذیرفت:				

الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ



واژه نامه تصویری (تصویر)



أَسْوَدٌ: سِيَاه



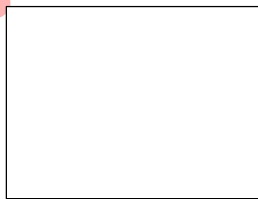
أَحْمَرٌ: قَرْمَز



أَخْضَرٌ: سَبْز



غُرَابٌ كَلَاغ



أَبْيَضٌ: سَفِيد



أَزْرَقٌ: آبِي



أَصْفَرٌ: زَرْد

المُعْجَم: واژه نامه

أَبْيَض: سفید	أَسْوَد: سیاه	حَار: گرم	شِتَاء: زمستان
الْأَثْنَيْنِ: دوشنبه	أَصْفَر: زرد	حَيَاة: زندگی	صَيْف: تابستان
الْأَحَد: یکشنبه	أَمْس: دیروز	خَرِيف: پاییز	غَدًا: فردا
أَحْمَر: سرخ	أَوْرَاق: برگ‌ها	الْخَمِيس: پنجشنبه	عُرَاب: کلاغ
أَخْضَر: سبز	«مفرد: وَرَق»	رَبِيع: بهار	فَاكِهَة: میوه «جمع: فَوَاكِه»
الأَرْبَعاء: چهارشنبه	أَيّ: کدام، چه	السَّبْت: شنبه	لَوْن: رنگ «جمع: ألوان»
أَزْرَق: آبی	الثَّلَاثاء: سه شنبه	سَحَاب: ابر	الْيَوْم: امروز

الْأَيَّامُ وَ الْفُصُولُ وَ الْأَلْوَانُ

المُدْرَس:	ما هي أَيَّامُ الْأُسْبُوع؟
الطَّالِب:	يَوْمُ السَّبْتِ، الْأَحَدِ، الْأَثْنَيْنِ، الثَّلَاثاءِ، الْأَرْبَعاءِ، الْخَمِيسِ، الْجُمُعَة.
المُدْرَس:	و ما هي فُصُولُ السَّنَةِ؟
الطَّالِب:	الرَّبِيعُ وَ الصَّيْفُ وَ الخَرِيفُ وَ الشِّتَاءُ.



المُدَرِّس:

نَحْنُ فِي أَيِّ يَوْمٍ وَ فَصْلٍ؟

الطَّالِب:

الْيَوْمُ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ وَالْفَصْلُ فَصْلُ الرَّبِيعِ.

المُدَرِّس:

كَيْفَ الْجَوُّ فِي كُلِّ فَصْلٍ؟

الطَّالِب:

الْجَوُّ فِي الرَّبِيعِ مُعْتَدِلٌ. الرَّبِيعُ فَصْلُ الْجَمَالِ وَالْحَيَاةِ الْجَدِيدَةِ.

الصَّيْفُ حَارٌّ وَ فَصْلُ الْفَوَاكِهِ اللَّذِيذَةِ وَالْخَرِيفُ لَا حَارٌّ وَلَا بَارِدٌ

وَ فَصْلُ سُقُوطِ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ وَالشِّتَاءُ بَارِدٌ.

المُدَرِّس:

مَا هِيَ الْأَلْوَانُ؟

الطَّالِب:

الْأَسْوَدُ وَالْأَبْيَضُ وَالْأَحْمَرُ وَالْأَخْضَرُ وَالْأَزْرَقُ وَالْأَصْفَرُ.

المُدَرِّس:

مَا هُوَ الْمِثَالُ لِهَذِهِ الْأَلْوَانِ؟

الطَّالِب:

الْغُرَابُ أَسْوَدٌ وَالسَّحَابُ أَبْيَضٌ وَالرُّمَانُ أَحْمَرٌ وَالشَّجَرُ أَخْضَرٌ وَالْبَحْرُ أَزْرَقٌ

وَالْمَوْزُ أَصْفَرٌ.



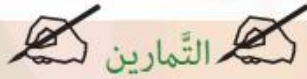
ما هي ألوان عَلمِ الجُمهوريَّةِ الإسلاميَّةِ الإيرانيَّةِ؟
الأخضرُ وَ الأبيضُ وَ الأحمرُ.

المُدَرِّس:

الطَّالِب:



سنياني



الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

- | | | | | |
|---|------------|---|----------------|---|
| □ | الأَحَدِ | □ | الْاِثْنَيْنِ | ۱. الْيَوْمُ يَوْمُ السَّبْتِ وَ عَدَا يَوْمَ |
| □ | الْخَمِيسِ | □ | الْأَرْبَعَاءِ | ۲. أَمْسَ كَانَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ فَالْيَوْمَ يَوْمَ |
| □ | الرَّبِيعِ | □ | الْخَرِيفِ | ۳. أَوَّلُ الْفُصُولِ فَصْلٌ |
| □ | حَارٌّ | □ | بَارِدٌ | ۴. الشِّتَاءُ فَصْلٌ |

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: ترجمه کنید.

۱. لَوْنُ السَّمَاءِ، أَزْرَقٌ.
۲. لَوْنُ الْأَوْرَاقِ، أَخْضَرٌ.
۳. لَوْنُ الْمَوْزِ، أَصْفَرٌ.
۴. لَوْنُ السَّحَابِ، أَبْيَضٌ.
۵. لَوْنُ الْغُرَابِ، أَسْوَدٌ.
۶. لَوْنُ الرُّمَّانِ، أَحْمَرٌ.



رنگ ها و کلمات مرتبط همراه با مثال	ایام هفته و کلمات مرتبط	فصل ها و مرتبط به آن
أبيض: سفید سحاب: ابر	السبت: شنبه	الربيع: بهار
أحمر: سرخ زمان: انار	الأحد: یکشنبه	الصيف: تابستان حار: گرم
أخضر: سبز الشجر: درخت	الاثنين: دوشنبه	الخريف: پاییز سقوط اوراق: افتادن برگ ها
أزرق: آبی البحر: دریا	الثلاثاء: سه شنبه	الشتاء: زمستان بارد: سرد
أسود: سیاه غراب: کلاغ	الأربعاء: چهارشنبه	
أصفر: زرد الموز: موزا	الخميس: پنجشنبه	
لون: رنگ ها الوان: رنگ ها	الجمعة	
	اليوم: روز	
	عَدَا: فردا	
	أمس: دیروز	

نَظَرُهُ لِلدَّرْسِ الْخَامِسِ إِلَى الدَّرْسِ الثَّانِي عَشَرَ

نگاهی به درس پنجم تا دوازدهم

فارسی	عربی	
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي.	 
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتَ كَتَبْتَ وَاجِبَكَ.	 
	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبَكِ.	
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ.	 
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا.	

ما تکلیفمان را نوشتیم.	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبَنَا.	   
شما تکلیفتان را نوشتید.	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبَكُمْ.	   
	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبَكُنَّ.	
	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا وَاجِبَكُمَا.	
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ.	 
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا.	

